

بسم الله الرحمن الرحيم

اسناد و منابع

ادیان و مکاتب در ترازوی نقد اجمالی

سینا صابری

- سرشناسه : صابری، سینا، ۱۳۶۸ -
- عنوان و نام پدیدآور : اسناد و منابع ادیان و مکاتب در ترازوی نقد اجمالی / سید صابری.
- مشخصات نشر : مشهد : قلم آذین رضا، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری : ۱۶۳ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
- شابک : ۱۱۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۴۲-۲۰۵
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- موضوع : ادیان -- تاریخ -- اسناد و مدارک
- موضوع : Sources -- Religions -- History
- موضوع : ادیان -- تاریخ نویسی
- موضوع : Religions -- Historiography
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ۵الف۲ص/BL۷۴
- رده بندی دیویی : ۲۹۱/۰۹
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۴۴۳۶۴۵

مولف: سینا صابری

ناشر: قلم آذین رضا

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: پیشگام

طراح جلد: محمدصادق صفاجو

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۴۲-۰۵-۲

آدرس انتشارات قلم آذین رضا: مشهد-خیابان آیت ا... بهجت ۲- پاساژ گنجینه کتاب

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۳۹۰ -۰۹۱۵۱۲۰۹۶۲



فهرست

مقدمه.....	۷
متون منتسب به اله در دایره نقد تاریخی و نقد منبع.....	۱۲
خطا و کاستی های ناقلان و راویان تاریخی.....	۱۷
ترتیب حصول اطمینان در شیوه های انتقال منابع تاریخی.....	۲۷
زرتشت (زردشت).....	۳۴
آئین و مکاتب هندی.....	۵۹
عهد عتیق و یهودیت.....	۸۱
انجیل و مسیحیت.....	۹۰
قرآن و پیامبر.....	۱۱۳
منابع.....	۱۴۴
تصاویر.....	۱۴۷

مقدمه

در بررسی چگونگی تفکرات گوناگون یکی از اساسی ترین موضوعاتی که می بایست مدّ نظر داشت، بحث از منشاء و منبع پیدایش آن تفکر است به این عبارت که هرگاه موضوعی از جانب فرد یا گروهی صادر و بیان می شود در ابتدا باید به ادله ایشان بر صحت گفتارهای ایشان مراجعه نمود تا با بررسی آن منبع و تفکر نخستین به سایر جوانب بحث اطلاع حاصل شود. البته همانطور که مشخص می باشد این در صورتی است که آن سخن و کلام، ریشه در منابع گذشتگان داشته باشد و الا اگر کلام و نظری، بدواً به نحو نظریه جدید بیان شود و سبقه تاریخی در آن وجود نداشته باشد نیازی به بررسی سیر تاریخی در کلام گذشتگان نمی باشد.

بنابراین در صورت وجود سیر تاریخی می بایست به آن رجوع کرد و هرچه این سیر را بتوان به دوران اولیه و آغازین پیدایش آن تفکر، نزدیک کرد قطعاً از صحت بیشتری در انتساب آن موضوع به اشخاص صادر شده از ایشان برخوردار خواهد بود.

این نحوه بررسی را می توان در تمامی علوم و شاخه های آنها مشاهده و پیش گرفت اما بارزترین نمونه این شیوه را در بررسی سیر ادیان و مکاتب مشاهده می کنیم در جایی که همواره بین ادیان و مکاتب، تضارب شدیدی در انتساب ایشان بر ضعف یا قوت یکدیگر وجود داشته به این ترتیب که هر یک از ایشان منبع و تفکر خود را به صحت و غیر آن را به ضعف در عقیده متهم می نماید.

اما به راستی اولین قدمی که در روزگار ما می توان برای تشخیص این موضوع که کدام کلام به صحت و حقیقت نزدیکتر بوده چیست؟! خصوصا در جایی که بحث بر سر ادیان باشد و نه مکاتب؛ چراکه ادیان، همواره دارای وسعت علمی و عملی بیشتری نسبت به مکاتب برخاسته از سایر نظرها بوده اند و در نتیجه این امر بر اهمیت آنها خواهد افزود.

پاسخ سوال به قطع و یقین به روشن شدن **اصل وجود آن منبع** باز خواهد گشت یعنی هنگامی که موضوعی طرح می شود می بایست به سراغ آن رفته تا ببینیم آیا در واقع و اصالتا چنین موضوعی در خارج به وقوع رسیده یا خیر؟ چراکه بسیاری از نظراتی که در محافل عامه و حتی علمی و آکادمیک طرح و بررسی شده است فاقد پشتوانه ی سندی است و پس از

بررسی اصل وقوع و وجود آن سند است که می توان به سایر مباحث مرتبط با آن از قبیل ساختار محتوایی پرداخت.

با ذکر این مطلب به سراغ این موضوع می رویم که ادیان و مکاتب موجود در جهان، همواره خود را به مدرک و منبعی منتسب کرده تا صحت تفکرات و اعمال خود را با آن مورد سنجش قرار دهند و آنچه که امروزه در سطح وسیعی به تبلیغ آن پرداخته می شود ارائه مطالبی است که حامیان آنها خواهند گفت در فلان منبع یا سند وجود دارد.

حال با مراجعه به آنچه که در تاریخ ثبت و ضبط گردیده و در اسناد تاریخی و باستانی موجود است خواهیم دید که بسیاری از آنچه که منتسب به برخی از ادیان و مکاتب بوده است فاقد سند تاریخی و مستحکمی بوده که در مجامع علمی و یا اجتماعی، قابل پذیرش باشد به این شکل که عده ای، کلامی را به کتاب و منبع خاص مستند کرده و خود را حامی آن کلام دانسته و به تبلیغ آن همت گماشته اند اما اسناد تاریخی نشان می دهد که علامت و نشانه ای از اصل صدور این کلام در آن عصر کتاب توحیدی و یا مروجین آن مکتب خاص، ارائه نشده و وجود ندارد.

این بحث از عدم وجود سند قطعی، می تواند به دلایل متعددی رخ داده باشد اما آنچه که موضوع این کتاب را تشکیل داده، اتصال و یا انفصال تاریخی است که منبع موجود را به پیامبر یا مروج آن متصل نماید چراکه اگر سند و مدرکی نتوان برای اتصال منبع موجود به آورنده ی آن ارائه داد اشکالات فراوانی به وجود خواهد آمد که مهمترین آنها بی اعتمادی به آن منبع خواهد بود زیرا چگونه می توان نظرات و اعمال خود را صحیح پنداشت در حالی که اصل وجود و صدور آن منبعی که تا کنون تصور بر درستی آن داشته ایم قابل خدشه ی فراوان باشد؟! زیرا ممکن است دیگران بنا بر آنچه که ایشان، قیاس به نفس نموده و یا علم به آن پیدا نموده باشند به دخل و تصرف در بعد از حیات آن پیامبر و یا مروج دست زده باشند و این گونه است که با سیر در اسناد تاریخی جریانات فکری می توان به ارزش و سنجش منابع گوناگون بالاخص از نوع تاریخی و باستانی آنها دست یافت.



متون منتسب به اله یا اشخاص معین در دایره نقد تاریخی^۱ و نقد منبع^۲

تأمل و بررسی هر واقعه، نیاز به شناخت کافی نسبت به چگونگی وقوع آن واقعه دارد به این عبارت که در هر موضوعی می بایست تعریف مشخص و آشکاری از نحوه پدید آمدن آن موضوع، وجود داشته باشد تا ابهاماتی که می تواند ذهن مخاطب را درگیر خود کند برطرف سازد.

این امر در تمامی علوم و فنون چه آنهایی که در قالب نظری بوده و چه آن دسته که در قالب عملی جای دارند وجود خواهد داشت و یکی از آن دسته از موضوعاتی که می بایست به مبدأ و منشأ آن اشاره شود امور مرتبط با اعتقادات و مذاهب بشریت می باشد. موضوعی که از زمان مطرح شدن آن تا به این روز با چالش های گوناگونی همراه بوده است.

^۱ historical criticism
^۲ source criticism

این موضوع همان چیزی است که سبب می شود بشریت از خود سوال کند چرا باید برخی امور را در دایره دین و مکتب، انجام دهیم و برخی امور را انجام ندهیم؟

چه عاملی سبب این اوامر و نواهی^۱ می باشد؟

آیا به راستی این اوامر و نواهی وجود دارد؟

آیا به راستی این گفتارها از سوی خداوند می باشد؟

آیا به راستی، اشخاصی که ما را مکلف بر اوامر و نواهی کرده اند وجود داشته اند؟

اگر واقعا وجود داشته اند آیا در گرفتن و رساندن آن اوامر و نواهی دچار خطا نشده اند؟

و ده ها و صدها سؤال دیگر که ذهن بشریت را درگیر خود نموده.

بشریتی که با این سؤال ها سعی در رسیدن به حقیقت دارد و گاهی از سر بی حوصلگی نسبت به اوامر دینی و مکتبی، دوست دارد که این سؤال ها را بپرسد تا به نوعی خود را از گردن نهادن به این دستورات رهایی بخشد.

^۱ جمع امر و نهی

به هر حال این سوالات با هر انگیزه ای که به وجود آید می بایست پاسخ مفیدی برای آن ارائه شود چراکه پاسخ مفید، انسان را هدایت می کند و نه پاسخ هایی از روی احساسات، تخیلات و ناباوریه‌ها.

برای یافتن پاسخ این پرسش ها و دیگر پرسش های از این قبیل، فرضیه ها، نظریات و به تبع آنها رشته های مختلفی به وجود آمد تا به کنکاش و چگونگی این امور بپردازد و سعی کند تا پاسخی مفید برای آنها ارائه شود.

اما موضوع این کتاب تنها شامل حلقه ی اول از این پرسش ها خواهد بود و این امر مسلّم است در صورتی که این حلقه برای خواننده این سطور، روشن گردد بسیاری از پاسخ های دیگری که در ذهن وی به وقوع می رسد را رها خواهد نمود چراکه بسیاری از سوالات دیگر، منوط به وجود حلقه ی ابتدایی می باشند.

حلقه ی ابتدایی در پرسش های دینی این است که آیا این مطلبی که منتسب به دین شده است حقیقتاً از ناحیه خداوند و یا مروج آن دین و مکتب صادر شده یا خیر؟

این سوال، اساسی ترین بحثی است که می بایست به سراغ آن رفت و تنها پاسخ آن را باید در منابع ادیان و مکاتب مشاهده نمود به این عبارت که باید به سراغ ابتدایی و اولین منبع صادر شده این امر و نهی رفت تا در صورت یافتن

این موضوع در آن منبع، حکم به الهی بودن آن داد. اما این مراجعه به متون اولیه می بایست دارای شرایطی باشد تا انتساب آنها به الهی بودن محرز گردد.

مهمترین آن شرایط، حصول اطمینان از اصالت منبع و متن است؛ به این ترتیب که به سراغ متون رفته و آنها را از حیث اینکه مربوط به آن دوره تاریخی می باشد بررسی نماییم.

در اینجا اولین نکته این است که در دوران حیات ما می بایست نشانه ای بیابیم که بگوید آری این متن مربوط به زمان نزول وحی و پیامبر الهی می باشد؛ اما آیا می توان به سخن دیگران که گفته اند بلی این کلام الهی است اطمینان کرد؟

شاید آنها اشتباه کرده باشند؟!

شاید آنها دچار هذیان شده باشند؟!

شاید امر بر آنها مشتبه شده باشد و توهمی بیش نبوده؟!

بهترین راه حل این است که بعد از گذشت اعصار گوناگون، ببینیم آیا راه مستقیمی وجود دارد که ما را به وحی، متصل نماید یا خیر؟

پیدا کردن این نقطه اتصال تنها و تنها نیاز به وجود مدرک و شواهد دارد. مدرکی که در همان زمان یا نزدیک به همان زمان نگاشته شده باشد تا

بعد از اینکه پیامبری یک شخص به وسیله ی معجزه ثابت شد، بتوانیم بگوییم که این کلام وحیانی است که با معجزه ثابت شده و به طریق پیامبرش به ما رسیده و به توسط متونی که در همان زمان نگاشته شده برای آیندگان باقی مانده تا به آنها عمل نمایند؛ زیرا چگونه می توانیم به متنی عمل کنیم که در سالها بعد از آن پیامبر نگاشته شده و ممکن است دارای کاستی ها یا افزایشات غیر ضروری برای بندگان باشد و آنچه که لازم نبوده را امروزه به تصور اینکه الهی می باشد تبلیغ نموده و حال اینکه چنین چیزی از اصل، صحیح نباشد؟

متونی که در اختیار ما قرار گرفته اند در مرحله اول تنها نوعی «داده خبری»^۱ می باشند که صحت و سقم آن روشن نبوده اما در منابع تاریخی به ثبت و ضبط رسیده اند. بنابراین نخستین قدم در مباحث تاریخی، مشخص شدن تکلیف این داده ها می باشد.



خطا و کاستی های ناقلان و راویان تاریخی

در هنگام بررسی متون و روایات تاریخی که از سوی ناقلین آنها ارائه شده با مباحثی رو به رو خواهیم شد که اگر نتوانیم، متن و نوشته ای را منتسب به همان زمان وجود پیامبرشان کنیم با مشکلاتی مواجه خواهیم بود که راویان و ناقلان پس از آن پیامبر را در بر خواهد گرفت و به تبع آن برای ادوار بعدی از آن پیامبر نیز این مشکلات ادامه خواهد یافت.

این موانع و مشکلات را می توان به طُرُقی دسته بندی نمود اما در اینجا ترجیح دادم تا به دو بخش کلی تقسیم شود:

الف) خطا و تغییرات عمدی

۱- عدالت در نقل تاریخی از ناحیه او احراز شود تا مبدا به درباری بودن و یا غرض ورزی، متهم شود.

به عنوان نمونه می توان به نظر «جونا لندرینگ»^۱ مورخ هلندی در ارتباط با سوء استفاده ابزاری و تبلیغاتی پهلوی دوم از تاریخ ایران اشاره کرد که می نویسد: «محمدرضا شاه با تبلیغاتی ساختگی از نام کوروش و استوانه برجای مانده از او تنها برای تثبیت حکومت پهلوی استفاده کرد و بس».

^۱ Jona Lendering

از همین دسته انتقادات از سوی افراد دیگری نظیر «کلاوس گالاس»^۱ و «امیلی کورت»^۲ محقق تاریخ خاورمیانه نیز ارائه شده است.

مثال دیگر در این مورد را می توان از تحقیقاتی که امیرمهدی بدیع (۱۲۹۴-۱۳۷۳) تاریخ‌شناس، نویسنده و پژوهشگر ایرانی در ارتباط با تاریخ هرودت^۳ صورت داده اشاره نمود که به دروغ و تناقضات هرودت در باره ایرانیان اشاره می کند کما اینکه ارسطو، هرودت را افسانه‌پرداز می نامد و «پلوتارک»^۴ کتابی درباره هرودت می نویسد که ثابت کند او درباره تمام شهرهای دیگر یونانی که مخالف آتن بوده اند به نحو آشکارا و عمداً دروغ گفته است.

۲- داشتن سابقه ی نیکو علی الخصوص متهم نبودن به کذب و مشخص بودن ایدئولوژی و جهان بینی وی در چگونگی نگرش به مباحث، چراکه وجود تفکرات خاص، قطعا در نقل منابع تاثیرگذار بوده و خواهد بود و هر شخصی از دریچه ی اندوخته های ذهنی خود نظاره گر مباحث خواهد بود. به عنوان مثال حدیثی که در فضایل مخصوص قرائت سوره های قرآن از «ابی بن کعب» نقل می کنند که مثلا برای خواندن سوره «سبح اسم»^۵ فضیلت خاصی

^۱ Klaus Gallas

^۲ Amélie Kuhrt

^۳ تاریخ‌نگار یونانی زبان که آثارش تا این دوران باقی مانده است.

^۴ تاریخ‌نگار، زندگی‌نامه‌نویس یونان باستان.

^۵ سوره الأعلی

ذکر نموده، همچنین در ارتباط با سوره «هل اتیک حدیث الغاشیة»^۱ فضیلت و ثواب دیگری، سوره «لم یکن الذین کفروا»^۲ ثواب دیگری، سوره بقره ثواب دیگری، سوره آل عمران ثواب دیگری، برای هر کدام مطلبی در فضیلت آن گفته و همه آنها را نیز به نقل از پیغمبر روایت کرده.

شخصی از آن کسی که این حدیث را روایت می کرد پرسید: چرا فقط تو این حدیث را روایت کردی و شخصی دیگر غیر از تو این روایت را نقل نکرده؟

گفت: راستش را بخواهید من این حدیث را برای رضای خدا جعل کردم، دیدم مردم در مجالس که می نشینند شروع می کنند به افسانه ها و تاریخ جاهلیت را نقل کردن و اشعار جاهلیت را خواندن. دیدم وقت مردم دارد بیهوده تلف می شود.

برای اینکه به جای این کار بیهوده، مردم را وادار به تلاوت قرآن کنم، آمدم این حدیث را از زبان پیغمبر گفتم، اینکه عیبی ندارد.^۳

^۱ سوره الغاشیة

^۲ سوره البینة

^۳ مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۱۶، ص ۹۹

۳- علم به جوانب موضوع داشته باشد تا مبدا به عدم تخصص و یا عدم آگاهی کافی متهم گردد. (البته این مورد می تواند از خطاهای سهوی که در آینده خواهد آمد نیز شمرده شود)

(ب) خطا و تغییرات سهوی

۱- هرچه دارای قوت ضبط بالاتری باشد یعنی وقایع را بهتر وبدون کاستی حفظ نموده باشد. چه در آنجا که موضوعی را مشاهده نموده و می بایست به ثبت آن مبادرت ورزد و چه در جایی که سخن و گفتار دیگران را نقل می کند که در اینجا می بایست به نقل عین عبارت پردازد و نه نقل به مضمون چراکه نقل به مضمون سبب شبهه در مراد متکلم و برداشت شنونده خواهد شد.

نکته: ملحق به این بخش است تمام خطاهایی که ممکن است از «سمع و شنیدار» و «بصر و مشاهده» رخ دهد که شبیه این مورد است گزینه ی ۵ که خواهد آمد.

۲- صحت عقل وی دچار خدشه نباشد و یا اگر احیاناً در دورانی از زندگی وی این خدشه وجود دارد باید تاریخ آن دقیقاً مشخص باشد تا این خدشه در تمامی دوران حیات وی جریان داده نشود.

۳- شاخصه های روانی و اجتماعی مثبت و نه منفی برای او بیان شود چراکه صفاتی نظیر افراط، تفریط، لا ابالی گری، توهمات و امثال این نمونه ها قطعا نقل تاریخی وی را دچار خدشه خواهد کرد.

۴- از قلم افتادگی وقایع و جزئیات در آثار او مشهود نباشد اما متاسفانه می بینیم به دلیل ضعف تجهیزات و اطلاعات در گذشته های دور این امر «از قلم افتادگی» به وفور دیده می شود که همین موضوع می تواند سبب خلط و تصورات اشتباه در نزد خواننده متون تاریخی شود.

۵- وجود خطاهای ناگزیر انسانی در اثر و شخصیت وی به ندرت یافت شود مثلا وجود خطاهای غیر عمدی در مشاهده یک واقعه از جنگ، می تواند تمام ذهنیت خواننده را تغییر دهد در آنجا که مثلا چادر و خیمه های برافراشته شده آتش بگیرد و تاریخ نگار و یا راوی، تصور کند که دشمنان آن را به آتش کشیده باشند و در نقل تاریخی خود این عمل را از دشمنان مطرح کند حال آنکه ممکن است در هنگام درگیری و زد و خورد نزدیک یا سراسیمگی، یکی از چراغ های مشتعل درون چادر و خیمه واژگون شده و سبب آتش گرفتن آن مجموعه شود.^۱

^۱ همانند نکته ای که در شماره ۱ آمد

۶- تقدم زمانی یک تاریخ به واقعه:

مطالبی که در زمان نزدیک تری ثبت و ضبط گردیده باشد از آنچه در زمان دورتری ثبت شده باشد قابلیت اطمینان بیشتری دارد. مانند اینکه گزارشی تاریخی در قرن اول هجری از یک واقعه وجود داشته باشد و همان واقعه را به شکل و سناریوی دیگر در قرن سوم هجری ثبت نموده باشند که تقدم زمانی به واقعه برای بشریت، دارای پذیرش و قطعیت بیشتری خواهد بود. زیرا همگان می یابند که فاصله زمانی آن هم در جایی که به سال یا دهه و یا قرن بیانجامد دیگر اثری از آن واقعه را در خود جای نخواهد داد.^۱

۷- تقدم جغرافیایی یک تاریخ به واقعه:

در صورت وجود دو نوع قرائت (الفاظ، مفاهیم، موضوعات) در ضبط، آنکه از جهت جغرافیایی به محل وقوع حادثه یا رخ داد نزدیکتر باشد مقدم و دارای پذیرش بیشتری است.

^۱ توجه شود که تحلیل یک واقعه نزد آیندگان با تغییر سناریوی متن به جای مانده تفاوت دارد.

چنانکه مشاهده می شود در صورتی که متنی در زمان آن پیامبر یا مدعی هدایت، ثبت و ضبط نشده باشد با **برخی** از این موانع و مشکلات در بعد از فقدان پیامبر مواجه خواهیم شد که این امر سبب می شود تا آیندگان نتوانند وظیفه ای را که در کتاب مقدس برای بندگان و بشریت واجب شده را درک و عمل نمایند زیرا چگونه می توان به متنی عمل نمود حال آنکه با این مسائل رو به رو باشیم؟

در اینجا می بایست نگاهی به شیوه های انتقال منابع تاریخی (از جمله دینی و مکتبی) انداخته تا ببینیم کدام شیوه با عقل بشری هم خوانی بیشتری دارد و اگر دین و مکتبی دارای رده های پایین شیوه های انتقال باشد می تواند به تبلیغ خود پردازد یا خیر؟

پیش از پرداختن به این موضوع، معنی و تعریف سند متصل و منفصل را بیان کرده تا با آگاهی از این دو تعریف، مراد مطالب پیش روی با وضوح بیشتری پیش گرفته شود.

سند متصل و منفصل

سند متصل: اسناد و مدارکی که از شخص یا زمانی به شخص یا زمان دیگر منتقل شده بدون اینکه بین این انتقال **فاصله ای** رخ داده باشد.

مثلا فرد «الف» سخنی را به شخص «ب» منتقل می کند. بعد از او فرد «ب» خبر را به «پ» نقل داده و بعد از او از «پ» به «ت» نقل داده باشد الی آخر و در این حالت نباید مثلا «ت» بدون واسطه از «الف» نقل کند چراکه در این سلسله، افراد «ب» و «ت» مفقود می شوند و ما در این فرض، اطمینان پیدا نخواهیم کرد که آیا این خبری را که «ت» از «الف» نقل می کند واقعا دچار نقصان شده است یا خیر پس باید سلسله ی اشخاص و زمان ها بدون کوچکترین وقفه ای وجود داشته و مشخص گردیده باشند و در این مثال «ت» از «پ» تا به «الف» نقل ننماید.

سند منفصل: اسناد و مدارکی که از شخص یا زمانی به شخص یا زمان دیگر منتقل شده در حالی که بین این انتقال، فاصله ای به وجود آمده است. مانند مثال بالا در جایی «ت» از «الف» مطالبی را نقل کند و یا مانند اسنادی از یک واقعه در قرن اول میلادی صحبت کنند اما خود این اسناد مربوط به قرن سوم میلادی باشند و برای این فاصله ای که در حدود یک قرن پدید آمده،

اسناد و مدارک دیگری وجود نداشته باشد تا بدانیم که این اسناد و مدارک بدون هیچ کاستی یا افزایشی از قرن اول به سوم منتقل شده باشد.

ترتیب حصول اطمینان در شیوه های انتقال منابع تاریخی از بیشترین درجه به کمتر

۱. منبع دارای سند مکتوب متصل با راویان متعدد (طرق گوناگون نقل=متواتر) قابل اطمینان.
۲. منبع دارای سند شفاهی متصل با راویان متعدد قابل اطمینان.
۳. منبع دارای سند مکتوب متصل با راویان غیر متعدد قابل اطمینان.
۴. منبع دارای سند شفاهی متصل با راویان غیر متعدد قابل اطمینان.
۵. منبع دارای سند مکتوب متصل با راویان مجهول الحال.
۶. منبع دارای سند شفاهی متصل با راویان مجهول الحال.
۷. منبع دارای سند منفصل مکتوب با راویان قابل اطمینان.
۸. منبع دارای سند منفصل شفاهی با راویان قابل اطمینان.
۹. منبع دارای سند منفصل مکتوب با راویان مجهول الحال.
۱۰. منبع دارای سند منفصل شفاهی با راویان مجهول الحال.
۱۱. منبع دارای سند متصل با راویان شناخته شده به عدم اطمینان.
۱۲. منبع دارای سند منفصل با راویان شناخته شده به عدم اطمینان.

۱۳. منبع بدون سند مکتوب اما دارای قرینه ی بر وجود آن موضوع. (قرینه می تواند شواهد تاریخی و باستان شناسی ، جغرافیایی یا عرفی در آداب و رسوم باشد)

۱۴. منبع بدون سند و قرینه کتبی و شفاهی.

علاوه بر آنچه بیان شد می توان موارد دیگری نیز در نظر گرفت تا به کمک آن میزانی بجهت تمییز دو منبع ارائه داد تا خواننده، آگاه شود که کدامین از منابع، دارای قوت بیشتری می باشد.

حال می خواهیم به این موضوع اشاره کنیم که اگر دین یا مکتبی دارای منابع درجه یک^۱ باشد با دین یا مکتبی که دارای منابع درجه نه^۲ باشد مساوی می باشد؟! (و همینطور سایر فرض هایی که می تواند خود خواننده متون تاریخی در مقایسه ی با یکدیگر در نظر بگیرد.)

پاسخ این پرسش چنانکه نزد انسان عاقل و بالغ محرز می باشد منفی است چراکه بشر، همواره هنگامی که با اسناد و مدارک مطمئن تری برخورد نماید آنها را مورد پذیرش قرار می دهد نه ضعیف ترین و غیر قابل اطمینان را.

^۱ منبع دارای سند مکتوب متصل با راویان متعدد قابل اطمینان

^۲ منبع دارای سند منفصل مکتوب با راویان مجهول الحال

اما متأسفانه امروزه می بینیم که با پیدایش مکاتب و فرق گوناگون که با انگیزه های مادی مخصوص به خود وارد تبلیغ تفکرات خویش شده اند بسیاری از انسان ها را به خواب غفلت سوق داده و از مسیری که عقل انسان و بشر به راحتی و با اندک تأملی می توانست راه هدایت را پیدا کند دور ساخته اند شبیه به آنچه که در داستان معروف و جهانی پینوکیو در دوران کودکی دیدیم در آنجا که نویسنده ی داستان «کارلو کلودی»^۱ روزی را تصویر می کند که روباه مکار و گربه نره که چشم طمع به سکه های پینوکیو داشتند و قصد سکه های وی را می کنند و او را به سرزمینی هدایت می کردند که به گفته ی آن ها هر سکه ی طلا که در خاک آن کاشته می شد درختی پر از میوه با سکه های طلا رشد می کرد. و مناسب همین داستان است آوردن این سخن:

گل به تاراج رفت و خار بماند

گنج برداشتند و مار بماند

دیده بر تارک سنان دیدن

خوشر از روی دشمنان دیدن^۲

اما چه بر سر بشر می آید که با اینکه در شبیه این قبیل از داستان ها به ما آموزش داده شد که گول هر صحبتی را نخوریم لکن هنگامی که پا به سن

^۱ Carlo Collodi

^۲ گلستان سعدی، باب پنجم، در عشق و جوانی

گذاشته می شود بسیاری از آن آموزش های عقلانی و فطری را فراموش شده می بینیم؟!

از آنچه که تاکنون آمد دانسته شد هر ادعایی نیاز به دلیل دارد و خود مدعی نمی تواند بدون دلیل، مهر تایید بر خود نهد.

جهت واضح شدن این موضوع برای خواننده غیر متخصص، مثال می آوریم که اگر فردی به درب منزل شما آید و بگوید که نصف اموال شما متعلق به من می باشد آیا به صرف اینکه خود او ادعای این موضوع را کرده نصف اموالتان را به وی اهدا خواهید نمود؟

لذاست که موضوعات مطرح شده در کتابهای ادیان و مکاتب دینی می بایست به معجزه که نشانه پیامبری بوده متصل شود؛ یعنی معجزه ای در جهت اثبات حقانیت وی صورت پذیرد پس از آن اوامر و نواهی رسول و نبی به ثبت و ضبط رسد و بعد از آن، همان ثبت و ضبطی که در آن زمان صورت گرفته برای نسل های بعد باقی بماند تا سندی برای آن زمان و اتفاقات آن دوران باشد تا بتوان بر آن استدلال نمود نه اینکه پس از گذشت سال ها برخی آمده و به نقل آن چیزی که قطعی و یقینی نیست بپردازند زیرا اسناد نقل و قول های ایشان باید موجود باشد حال اینکه در حال حاضر آن اسناد و مدارک برای اکثر مکتوبات و آثار ادیان و مذاهب موجود نمی باشد جز «قرآن» و در مرحله

بسیار پایین تر از آن «انجیل» که بیشترین سهم از وجود ادله و مکتوبات را دارا می باشند و می توان بنا به آنچه که از ضرورت این امر گذشت به آن استناد نمود. (البته در آینده می تواند اسناد جدیدی کشف شود که برخی تصورات امروز ما را تغییر دهد اما همواره می بایست به آنچه که در رابطه با ارزش گذاری اسناد گفته شد به عنوان یک اصل نگریم تا هر سند و مدرکی که در آینده کشف گردید نیز در قالب همین اصل به نمایش درآید).

در اینجاست که تازه پس از اینکه سلسله اتصال، صحیح واقع شود می توان به تجزیه و تحلیل زبان شناسی و غیره پرداخت که خود اینها دنیای بسیار بزرگی است که شواهد نقصان و تحریف در آنها موج می زند اما تا قبل از ثبوت این امر نمی توان مبداء قابل اطمینانی را برای محتوای خود در نظر گرفت.

اهمیت اتصال سند به منبع اصلی (وحی) به این جهت است که متکلم (خداوند، جبرئیل یا ...) عباراتی را به کار برده اند که اگر کوچکترین تغییری در آنها ایجاد شود پنج حالت حرام، حلال، مستحب، مکروه و مباح می تواند تغییر یابد و یا موضوع بحث به کلی دگرگون شود.

هرگز نمی توان با گذشت مدتهای طولانی و مشکلاتی که در بحث ناقلین روایات تاریخی بیان شد خود را محکوم به حرمت یا حلیت یا سایر این امور کنیم زیرا احتمال خطا و نقصان به وضوح در آنها آشکار است.

این بحث ادعا را متأسفانه امروزه نیز می‌توان مشاهده نمود که برخی مدعی ارتباط با خداوند از طریق وحی و الهام بوده که یا در دسته دروغ‌گویان قرار گرفته و یا دچار اختلالات روانی می‌باشند و یا امر بر ایشان مشتبه شده و دچار توهم یا خطا به عللی شده‌اند که باید دانست این بحث در اقوام پیشین با آب و تاب منحصر به فردی وجود داشته چراکه مردم به اموری نظیر کهنات، غیب‌گویی و سایر امور از این دست روی می‌آورده و با توجه به تفکرات انحرافی که نسبت به خالق و مخلوق در میانشان رواج یافته بود به ضمیمه امور مذکور (غیب و...) **کوهی بسیار بسیار عظیم از ادعاهای مرتبط با تجربه‌های دینی و ماورائی را مشاهده می‌کنیم.**

اگر اصل استناد اوراق و اسناد را نتوانیم به وحی متصل کنیم **تنها ارزش تاریخی** خواهند داشت ولو اینکه اثبات شود که در فلان دوره (حدود زندگی پیامبران) کاربرد داشته چراکه مثل سایر کتیبه‌ها و متون می‌توانند از ناحیه پادشاه، حکیم و یا چیزی از قبیل ایشان صادر شده باشد.

وقتی که شرایط تاریخی چنین باشد دیگر، مباحثی همچون تحریف، نقصان و... وارد نخواهد شد و می‌توان گفت که آنچه که در آن زمان نازل شده و بر بشر، فرض شده تا بعد از آن دوران بدون کم و کاست و با خیالی آسوده باقی مانده است.

با توضیحات مذکور به سراغ منابع ادیان و مکاتب موجود خواهیم رفت تا با سیری در اسناد تاریخی و باستانی آنها به صحت و سقم گفتار ایشان در بنیادی ترین مرحله از تحقیقات که تکلیف بسیاری از آراء و نظرات را روشن خواهد نمود پی برده و در نتیجه به سبب اینکه گویاترین عنصر برای بشر، مشاهدات عینی و یقینی می باشد اسناد موجود را محور سایر مباحث عقیدتی و علمی مرتبط با آنها قرار خواهیم داد.

زَرْتُشت یا زَرْدُشت

چنانکه در کتب متعدد نقل شده است اختلاف فراوانی در چگونگی زندگانی زرتشت یا زردشت موج می زند به نحوی که به قول استاد هاشم رضی^۱ آراء و اقوال آنچنان متناقض است که ذکر کردن آنها حتی به نحو فهرست وار برای خودش رساله ی مستقلی می طلبد.

به هر حال آنچه قطعی می باشد زمان زرتشت است که در ابهام می باشد بنابراین تاریخ دقیقی نمی توان ارائه نمود اما قراین مختلف دلالت بر این دارند که تاریخ و زمان زرتشت را باید بیشتر از سده ی دهم قبل از میلاد برشمرد^۲.

همچنین در باب زادگاه وی نیز شهرهای گوناگونی را یاد نموده اند که از آنهاست: خراسان، خوارزم^۳، سیستان^۴، آذربایجان و ری^۵.

قبل از ورود به آثار به جای مانده لازم است که برای خواننده کتاب، برخی از مفاهیم و واژگانی که در درک اسناد و منابع ایرانی به کار خواهد آمد اشاره شود و بنابراین از بحث ادوار تاریخی زبان های ایرانی^۶ آغاز خواهیم نمود.

^۱ ایران شناس، نویسنده و مترجم ایرانی

^۲ زرتشت و تعالیم او، ص ۹ و ۴۵

^۳ اسطوره زندگی زردشت، ص ۲۲/ آیین و شریعت زرتشتی، ص ۱۳

^۴ آیین و شریعت زرتشتی، ص ۱۴

^۵ گات ها، ص ۲۳

^۶ برگرفته از کتاب تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام.

دوره ی باستان

آثار مکتوب این دوره شامل دو زبان می باشد.

الف) **زبان اوستایی** که احتمالا قدیمی ترین آثار آن مربوط به حدود قرن هشتم تا دهم قبل از میلاد می باشد. به جز اوستا و متعلقات آن هیچ اثر دیگری به این زبان وجود ندارد. این زبان متعلق به منطقه شرق ایران بوده که احتمالا حدود خوارزم و یا سیستان و شمال خراسان را فرا گرفته^۱.

ب) **زبان فارسی باستان** که منطقه فارس به آن صحبت نموده اند و کتیبه های پادشاهان هخامنشی (۵۵۹-۳۳۰ ق.م) نیز به همین زبان نگاشته شده است و قدیمی ترین آن مربوط به قرن پنجم پیش از میلاد است.

تنها آثار از این دوران، کتیبه هایی است که به خط میخی به جای مانده.

اما زبان دیوانی و مکاتبه ی شاهان در این دوره، آرامی (از زبان های سامی است که قدیم ترین آثار مکتوب این زبان، کتیبه های متعلق به سده ی ۹ و ۸ ق.م است) بوده که "تعدادی از این مکاتبات متعلق به قرن پنجم ق.م بر روی چرم در مصر به دست آمده که متعلق به شهریان (=ساتراپ) مصر به نام آرشام

^۱ تصور می کنم چندی پیش کتابی به زبان اوستایی یافت شده است که در تخمین اولیه از متعلقات اوستا شمرده نشده بود.

است.^۱ پس از حکومت هخامنشیان، زبان آرامی بر چیده شد و زبان دوره ی میانه جای آن را گرفت.

برخی از مهمترین کتیبه های فارسی باستان:

۱- آریازمنه (حدود ۶۴۰ تا ۵۹۰ ق.م): که به نسب شاه و اینکه اهورا مزدا این سرزمین را تقدیم وی کرده سخن گفته.

۲- آرشام (حدود ۵۹۰ تا ۵۵۹ ق.م): در این کتیبه نیز به نسب شاه، ستایش اهورا مزدا و درخواست حمایت از وی پرداخته.

۳- کورش (۵۵۹ تا ۵۳۰ ق.م): در این کتیبه به معرفی کورش پرداخته شده.

۴- بیستون: این کتیبه که مفصل ترین کتیبه ی فارسی باستان است به چگونگی سلطنت رسیدن و غلبه بر بردیا اشاره کرده.

کتیبه های دیگری نظیر «کتیبه های فارس»، «کتیبه های شوش»، «کتیبه های سوئز»، «کتیبه الوند»، «کتیبه های تخت جمشید» وجود دارد که در اکثر آنها به مدح اهوره مزدا و معرفی شاه، سرزمین و کاخ های گوناگون پرداخته اند.

^۱ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۲۳

دوره ی میانه

این دوره ی زبانی در فاصله ی حدود سال های ۳۰۰ ق.م تا ۷۰۰ م را شامل می شده و این دوره نیز دارای دو تقسیم بندی می باشد:

الف) **زبان پارتی یا پهلوانیک یا پهلوی اشکانی**. این زبان در دوره ی اشکانیان یعنی حدود ۲۵۰ ق.م تا حدود ۲۲۴ م در منطقه شمال و شمال شرق ایران رایج بوده و تا اوایل دوران ساسانی نیز آثاری به این زبان نگاشته شده است.

ب) **فارسی میانه یا پهلوی**. این نوع از زبان که در دوران ساسانی کاربرد داشته در منطقه جنوب و جنوب غربی به کار گرفته می شد.

دوره ی نو

زبان هایی که شامل انواع زبان فارسی در ایران و خارج از ایران می شد را در این دوره جای داده اند.

اوستا و زرتشت

کلمه ی اوستا در متون اوستایی وارد نشده و معنی کلمه اوستا نیز مشخص نمی باشد اما احتمال داده اند که این کلمه به معنای «ستایش» باشد. چنانکه در اوستا و کتب پهلوی ذکر شده تمامی این کتاب را اورمزد یا اهورا مزدا به زرتشت (زردشت) ابلاغ نمود.

" همه اوستا از نظر زبان یک دست نیست. بعضی قسمت ها دارای سبکی کهنه تر و از نظر دستوری دارای زبانی است که با قواعد دستوری صحیح اوستا بیشتر مطابقت دارد. در برابر در برخی بخش ها قواعد دستوری چندان مراعات نشده است.

علت تفاوت زبانی میان متون اوستایی را می توان به دو عامل نسبت داد. یکی این که قدمت بعضی از آثار بیشتر از دسته دیگر است و دیگر این که شاید اختلاف لهجه میان این دو دسته آثار وجود داشته است.^۱

اوستایی که امروزه وجود دارد شامل ۵ بخش یعنی یسن ها، ویسپرد، یشت ها، وندیداد و خرده اوستا است که تنها حدود یک چهارم از آن چیزی است که در زمان ساسانیان موجود بوده.

^۱ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. ص ۳۶

متون اوستایی نیز بر اساس ویژگیها و قدمت زبانی به دو نوع «متون گاهانی» و «متون اوستایی متاخر» تقسیم می شود.

گاهان

متون گاهانی شامل گاهان (گات ها یا گاثاها)، یسن های هپتنگهایتی و چهار دعا در یسن ۲۷ است.

بخش گاهان، قدیمی ترین بخش از اوستا می باشد که از ۱۷ سرود تشکیل شده است و در اوستایی که امروز به جای مانده در بین « یسن ها» قرار دارد به این ترتیب: ۲۸ تا ۴۳، ۴۳ تا ۵۱ و ۵۳.

اما گاهان به ۵ بخش تقسیم شده که هریک از آنها دارای فصولی به نام «هات»، «هاد» یا «ها» می باشد.

پس از گاهان، یسن های ۳۵-۴۱ که به «هپتنگهایتی» معروف است قدیمی ترین بخش از اوستا شمرده می شود.

اوستای متاخر

این بخش شامل قسمتی از «یسن ها»، «ویسپرد»، «خرده اوستا»، «یشت ها»، «وندیداد»، «هادخت نسک»، «اَوگَمَدیچا»، «وِیثانِسک»، «آفرین

پیغامبر زردشت» و «وشتاسب یشت» می شود که حدود پنج ششم از کتاب دین زردشتیان را تشکیل داده.

به گفته ی برخی از اوستاشناسان و مورخین این بخش از اوستا آمیخته با تفکرات دوران قبل یا بعد از زردشت می باشد و آن ها را از اندیشه های خالص زردشت نمی توان دانست اما موضوعی که در اینجا وجود دارد این است که نه بخش اوستای متاخر و نه گاهان، هیچ یک دارای سند قطعی بر وجود اندیشه های زردشت نمی باشد و همان مقدار که دلیلی بر خالص و قطعی نبودن انتساب این اندیشه ها به زردشت وجود ندارد، همان مقدار نیز در انتساب بخش گاهان نیز وجود نخواهد داشت زیرا چنانکه در ابتدای کتاب به آن اشاره گردید، برای انتساب کلامی به شخص یا منبعی، می بایست پس از اثبات وجود آن شخص و منبع به سراغ اسناد آن رفته تا با در نظر گرفتن سلسله سند نقل تاریخی و محتوای آن به بررسی یک تفکر پرداخت حال اینکه در اینجا علاوه بر اینکه سلسله ای از راویان تاریخی وجود ندارند و یا اگر باشند به صورت منفصل و منقطع با فاصله ای بسیار طولانی می باشد.

نکته دیگر اینکه کلمات و تفسیر ایشان نیز دارای بیشترین حد ممکن از اجمال و عدم آگاهی قرار گرفته که در عمل به غیر از اطلاعات تاریخی و باستانی که از ایشان به دست می آید نمی توان برای آن ارزش دیگری متصور شد.

شاهد بر این مطلب، پرکاربردترین کلماتی است که در جامعه‌ی ایران وجود دارد و آن اطلاق کلماتی نظیر اندیشه، گفتار و کردار نیک است که به سبب این اطلاق می‌بایست اندیشه غیر نیک، پندار غیر نیک و کردار غیر نیک تبیین گردد تا در سایه آن، اعمال و وظایف مردم، تفکیک یابد زیرا چنانکه می‌دانیم می‌بایست نیکی کاملاً تبیین گردد تا از ورود در غیر آن ممانعت حاصل شود.

در بخش‌وندیداد و سایر بخش‌های مرتبط با احکام به وضوح مشاهده می‌شود که اوامر و نواهی متعددی در ایران باستان به توسط زرتشت و یا سایرین وارد شده و این نشان‌دهنده آن است که هر امری با نهی مقابل با آن همراه می‌باشد که شناخت آنها نیکی را به همراه خواهد داشت و عمل مخالف با آن غیر نیک می‌باشد.

غرض اینکه نیک آن نیست که به ذهن هر فردی خطور کند بلکه نیک در زبان پیامبر و مروج آئین هر قومی که پیروان مختص به خود را دارد جاری می‌شود که پیروان معتقد به آن پیامبر یا مروج آئین می‌بایست تکلیف امر را از آن پیامبر و یا مروج و در اینجا زردشت جویا شوند.

یسن ها

یسن به معنای «پرستش و نیایش» می باشد در اینکه یسن ها شامل چند بخش می شوند بسته به اینکه دو بخش گاهان و یسن های هفت فصل را داخل در این بخش وارد کنیم ۷۲ خواهد بود و در غیر این صورت ۳۸ می باشد.

یسن ۱ تا ۸ در ارتباط با ذکر و نثارها برای ایزدانی است که در مراسم یسنا خوانده می شوند.

یسن ۹ تا ۱۱ که هوم یشت نام دارد و در یسن ۹ به توصیف شیره گیام هوم و سایر موارد مرتبط با آن اختصاص دارد و یسن ۱۱ شامل نفرین گاو و اسب و هوم بر کسانی است که مطابق آیین با آن ها رفتار نمی کنند.

یسن ۱۲ و ۱۳ در ارتباط با اقرار به دین زرتشتی می باشد.

یسن ۱۴ تا ۱۸ ادعیه ی متضمن نام ایزدها.

و...

ویسپرد

این بخش، شباهت فراوانی به یسن ها دارد و موضوعاتش برگرفته از مطالب آن می باشد و دارای ۲۴ بخش می باشد.

خرده اوستا

ادعیه ای که برای عموم مردم کاربرد داشته که در مقابل دعا‌های مخصوص روحانیون می باشد و در مورد زمان تدوین متن های آن نمی توان زمان خاصی را مطرح نمود اما تدوین خرده اوستا به «آذرباد مهرسپندان» موبد موبدان شاپور دوم ساسانی (۳۰۹-۳۷۹م) نسبت داده شده.

مهمترین بخش های خرده اوستا از این قرار است:

الف) نیایش: شامل پنج ادعیه به نام های خورشید، مهر، ماه، آب و آتش است.

ب) گاه: شامل ادعیه شبانه روز می باشد.

ج) سی روزه: ادعیه ای که برای ایزد هر روز از سی روز در نظر گرفته شده. ظاهراً این بخش در ۳۰ روز پس از فوت اشخاص خوانده می شده.

د) آفرینگان: ادعیه ای که همراه با اعطای نذورات خوانده می شد. از آفرینگان چهار بخش موجود است:

آفرینگان دهمان که برای افراد فوت شده خوانده می شد.

آفرینگان گاهان در پنج روز آخر سال که روزهای فرود آمدن ارواح در گذشته بود خوانده می شد.

آفرینگان گاهنبار در مراسم گاهنبارها اجرا می شد.

آفرینگان ریبتوین در ابتدا و انتهای تابستان خوانده می شد.

ه) سه دعای مذکور زردشتی

و) سروش باج (دعای ایزد سروش)

ز) هوشبام (ستایش سپیده دم)

در میان برخی از نسخه های خرده اوستا قطعات با اهمیتی وجود دارد نظیر «آفرین پیغامبر زردشت» و «وشتاسپ یشت» که مثلاً در مورد دومی آمده:

" این متن زردشت چکیده ای از اصول دین خود را به گشتاسپ می آموزد، به همان شیوه ای که اهوره مزدا در فرگرد نوزدهم وندیداد چنین اصولی را برای زردشت بیان می دارد. در این یشت قطعاتی از وندیداد، که غالباً از جهت دستوری پر غلط است، نقل گردیده است. در آغاز دعای زردشت به گشتاسپ (که تقلیدی از آفرین پیغامبر زردشت است) آمده است. سپس به وظائف شاه نسبت به روحانیان و حمایت او از دین و رعایا اشاره رفته است. آنگاه به اهمیت بعضی آیین های دینی اشاره شده و سرانجام شرحی از سرنوشت روان پس از مرگ ذکر گردیده است. گشتاسپ یشت، همانند آفرین پیغامبر

زردشت، احتمالاً در اصل متعلق به نسک دوم از ۲۱ نسک دوره ساسانی به نام وشتاسپ سانت بوده است.^۱

یشت ها

ادعیه ای که اکثراً بجهت ستایش خدایان گذشته ایرانی نظیر مهر و ناهید خوانده می شد. از مجموع یشت ها ۲۱ عدد از آنها موجود است به ترتیبی که بعد از هر اسمی یشت قرار دارد و در اینجا اسمی آنها را بدون یشت ذکر خواهیم کرد:

۱-هرمزد (اورمزد) ۲-هفتتن (امشاسپندان) ۳-اردیبهشت ۴-خرداد ۵-اردوی سور (آبان، ناهید) ۶-خورشید ۷-ماه ۸-تیشتر (تیر) ۹-درواسپ (گوش) ۱۰-مهر ۱۱-سروش ۱۲-رشن ۱۳-فروردین ۱۴-بهرام ۱۵-ویو (رام) ۱۶-دین (چیستا) ۱۷-آشی (آرد) ۱۸-آشتاد ۱۹-خُره ۲۰-هوم ۲۱-وَتند.

در میان این یشت ها ۴ تا ۱۲، ۱۸ و ۲۰ ظاهراً تاریخ تالیف آنها متاخرتر از سایرین می باشند.

^۱ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۶۴

وندیداد

لغت قدیم این کلمه «ویدیو داد» می باشد که در لغت به معنی کسی که قانونش، جدایی و دوری از دیوان است نگاشته شده.

«دیو» در اصل به معنی خدایانی بوده که در هند و ایران، زردشت آنها را طرد نموده.

وندیداد، نوزدهمین نسک از اوستای ساسانی شمرده شده و تنها نسکی است که به طور کامل در دسترس می باشد و شامل قوانین (اوامر و نواهی) بسیاری در آئین زردشتی می باشد که دارای ۲۲ فرگرد یا فصل می باشد.

چنانکه بیان داشته اند از جهت قواعد دستور زبانی، وندیداد در مقایسه با یشت ها دارای قواعد نادرستی می باشد.

برخی، تالیف وندیداد را به دوره ی بعد از هخامنشیان نسبت داده اند اما مطالب آن قدیمی تر از دوره ی مذکور است .

هیربدستان و نیرگستان

بخش اول این مجموعه یعنی هیربدستان در ارتباط با تحصیلات و وظایف هیربدان می باشد.

بخش دوم یعنی نیرنگستان نیز همانند بخش هایی از وندیداد در ارتباط با قوانین دینی سخن به میان آمده.

هاذخت نسک

این بخش نیز ششمین بخش از نسک های دوره ی ساسانی بوده که سه قطعه از آن موجود است که بخش اول در ارتباط با دعای «آشم وهو» بوده و بخش دوم و سوم نیز اشاره به مباحث پس از مرگ است که شبیه به فرگرد نوزدهم وندیداد می باشد.

اوگمَدیچا

این متن احتمالاً بخشی از هادخت نسک بوده و موضوع آن مرگ می باشد.

ویثا نسک

به نوعی می توان آن را کشکولی ماخوذ از سایر نوشته ها دانست که به بخشی از آن را بحث از ازدواج مرد زردشتی با زن غیر زردشتی و فرزند ولادت یافته از ایشان و نحوه ارث آنها سخن گفته. تدوین این رساله را از متاخرین مجموعه اوستا شمرده اند.

از دیگر منابعی که زبان اوستایی در آنها وارد شده می توان به این موارد اشاره نمود:

«شایست ناشایست» ، « پرسشنیها » ، « وجرکرد دینی » و « روایات فرنبغ سروش» .



سرگذشت اوستا

در باره اینکه اوستا در زمان زردشت یا پس از وی گردآوری و نگاشته شده
بهترین نظر این است که این امر واقع نشده است. دکتر احمد تفضلی در این
باره می نویسد:

"هیچ سندی در دست نیست که بر ما روشن سازد که کتاب اوستا
پیش از آن که به خط کنونی درآید به چه خطی مکتوب بوده است.
اهمیت سنت شفاهی و حفظ آثار دینی به صورت سینه به سینه در
ایران، دلالت بر این دارد که کتاب اوستا بیشتر بدین صورت حفظ
می شده است تا به شکل مکتوب".... در کتاب دینکرد آمده است
که: « منطقی است که سخن زنده شفاهی را از آنچه مکتوب است،
مهم تر به شمار آوریم.» و در جای دیگر همین کتاب اشاره شده
است که اثر مکتوب، صورت کامل نیست.^۱

... "در ایران پیش از اسلام سنت به کتابت در آوردن آثار دینی و ادبی
چندان معمول نبوده است، به طوری که این آثار قرن ها سینه به سینه
حفظ می شده است و ثبت آنها را لازم نمی دانسته اند. تنها اسناد
دولتی و سیاسی و اقتصادی (مانند مطالب کتیبه های فارسی باستان
و پهلوی و چرم نوشته ها و سفال نوشته ها) را در خور نگارش

^۱ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. ص ۶۸

می دیدند. کتاب اوستا قرن ها سینه به سینه حفظ می شد تا این که سرانجام در دوره ساسانی به کتابت در آمد و پس از آن هم موبدان برای اجرای مراسم دینی به ندرت بدان رجوع می کرده اند و می کنند و آنچه مهم است از حفظ خواندن آن است.^۱

احتمالا در دوره ی بلاش اول یا اوایل ساسانی تصمیم بر این گرفته شد تا اوستا از حفظ شفاهی به حفظ مکتوب مبدل شود و از خطوط مشتق از آرامی رایج در ایران مانند پهلوی بهره گرفت شود اما این خطوط با توجه به کاستیهایی که در آنها وجود داشت از قبیل عدم وجود علامت برای مصوت ها و اشتباه شدن برخی صامت ها با مصوت ها و تاثیر منفی که در کتاب دینی ایشان ایجاد شده بود موبدان بر آن شده تا از روی خط پهلوی خطی را ایجاد نمایند و بنابراین اوستا را با آن به رشته تحریر در آوردند.

"در اختراع این خط دقت و زمان بسیار مصروف شده است و احتمالا هیئتی از روحانیان و دبیران در آن دست داشته اند. این دانشمندان برای جلوگیری از هرگونه ابهامی در ضبط اوستا، بر آن شدند که برای هر آوای اوستایی حرف واحدی را در نظر بگیرند و بدین منظور، با اعمال تغییراتی در حروف پهلوی که نشانگر چندین

^۱ همان. ص ۱۳

آوا بود حروف جدیدی را اختراع کردند که هر یک نشانگر یک آوا باشد. مثلاً حرف الف پهلوی نشان دهنده چهار آوای َ، آ، ه، خ است. مخترعان خط اوستایی این حرف را برای نمایاندن آوای َ اوستایی اختصاص دادند و با افزودن دندانهای به آخر آن حرفی را ساختند که نشانگر آوای آ باشد، و با افزودن حلقه ای بدان حرف ه، و با افزودن دنباله ای بدان حرف خ اوستایی را ایجاد کردند. علاوه بر آن کوشش شد که همه جزئیات و ظرائف تلفظ کلمات با اختراع حروف خاصی نشان داده شود.^۱

خط اوستایی حدود ۵۸ حرف می باشد که با در نظر گرفتن برخی شرایط ممکن است ۵۳ یا ۶۰ حرف نیز دانسته شود و نکته حائز اهمیت این است که تاریخ اختراع این خط مشخص نمی باشد در نتیجه نمی توان برای نگارش اوستا به این خط نیز تاریخی را در نظر داشت اما برخی بنا بر اهمیت عنصر دین که در زمان شاپور دوم و انوشیروان وجود داشته، حدس زده اند که حدود قرن ۴ تا ۶ میلادی، تاریخ نگارش اوستای کنونی می باشد.

^۱ همان، ص ۷۰



نسخه های موجود



مری بویس^۱ استاد و پژوهشگر در رشته مطالعات زرتشتی، قدیمی ترین دستنوشته باقیمانده متن زبان اوستایی را (K=Copenhagen/K1) از تاریخ ۱۳۲۳ میلادی می داند.

هاشم رضی نیز قدیمی ترین نسخه خطی که از بهمن یشت یا به عبارتی «زنی وهومن یشن Zand-e Vohuman Yasn» همراه با تفسیر و ترجمه پهلوی آن موجود است را رونویس و استنساخی می داند که حدود ۶۰۰ سال پیش^۲ نگاشته شده و نسخه دانشگاه کپنهاک می باشد^۳.

دکتر احمد تفضلی نیز در کتاب تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام در این رابطه می نویسد:

"از اوستا نسخه های خطی متعددی در دست است، اما هیچ یک از آنها به تنهایی متن کامل اوستا را در بر ندارد. بعضی از نسخه های اوستا همراه با ترجمه پهلوی است و ترجمه پهلوی زیر هر سطر متن اوستایی نوشته شده است. قدیم ترین نسخه اوستایی موجود نسخه K7 (محفوظ در کتابخانه دانشگاه کپنهاک) است. این نسخه که به صورت عکسی منتشر شده و فقط ویسپرد را در بر دارد در سال ۹۳۷

^۱ Mary Boyce

^۲ این سخن در کتاب سال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده.

^۳ اوستا، ص ۲۴۴

یزدگردی برابر با ۱۲۹۸ میلادی (یا بنا به محاسبه ۱۲۸۸ میلادی) است.

نسخه های قدیمی دیگر از قرن چهاردهم میلادی و در ایران به کتابت در آمده اند و نسخه های متأخرتر از قرن هفدهم میلادی به بعد در هندوستان استنساخ شده اند.^۱

... "تاریخ کتابت نسخه های خطی پهلوی موجود با زمان تألیف این متون (قرن سوم هجری / نهم میلادی) نسبتاً فاصله بسیاری دارد.

قدیم ترین انجامه دال بر استنساخ نسخه ای از دینکرد است که در سال ۳۹۹ یزدگردی (برابر با ۱۰۲۰ م) استنساخ شده و آن انجامه در نسخه K43، که خود در قرن شانزدهم میلادی به کتابت در آمده، عیناً نقل گردیده است.

قدیم ترین نسخه های موجود از قرن چهاردهم اند و بیشتر آنها در کرمان کتابت شده اند.

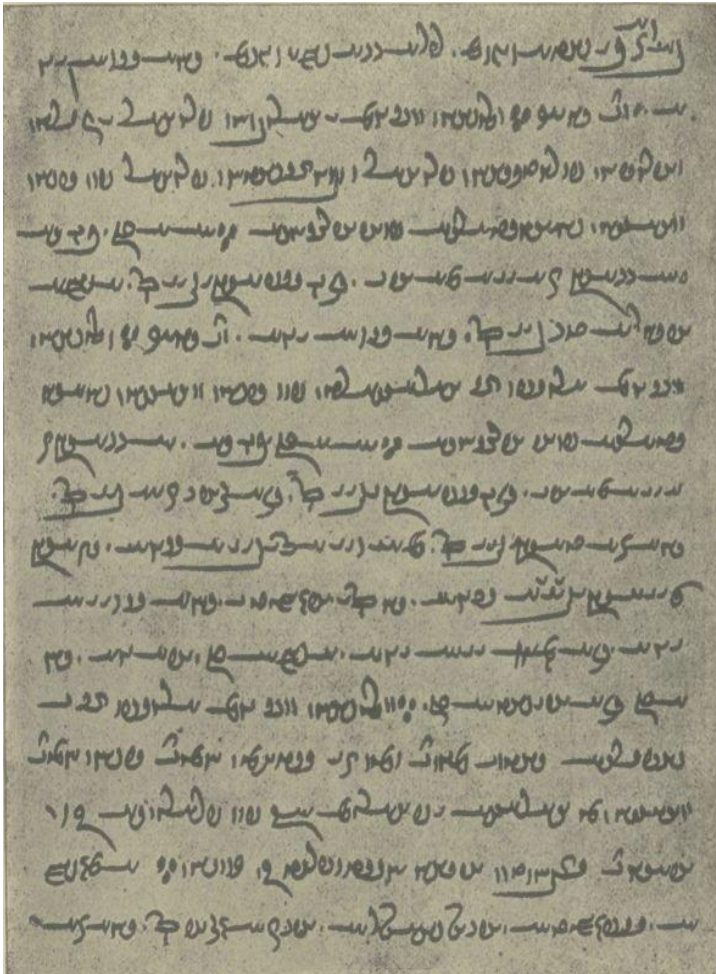
نسخه هایی که در هند نوشته شده از روی نسخه هایی که از ایران به هند برده شده است، استنساخ گردیده اند.

^۱ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. ص ۷۱

از قرن چهاردهم میلادی به بعد استنساخ نسخه ها در هند رواج داشته است، اما بیشتر نسخه ها در قرن های ۱۸ و ۱۹ استنساخ شده اند.

در شیوه نگارش نسخه های ایرانی و هندی از نظر قلم تفاوت هایی دیده می شود.^۱

^۱ همان. ص ۳۲۵



برگی که طبق ادعای صورت گرفته از نسخه خطی اوستا و زند (= پینا K5) از قدیمی ترین نسخ
به جای مانده که در کتابخانه کوپنهاگ موجود است می باشد، که در سال ۱۳۲۵م. (بقول گلدنر
۱۳۲۳م.) بدست مهربان کیخسرو نگاشته شده است.

آئین و مکاتب ہندی

وداها

کلمه «ودا» از ریشه «vid» به معنای دانش و معرفت می باشد که به مجموعه نوشته های کهنی اشاره دارد که در اندیشه بسیاری از هندوان، ازلی و ما فوق انسانی شمرده شده و تصور ایشان بر این است که این نوشته ها بر مردانی مقدس نازل شده.

این مجموعه از نخستین و یا نخستین اثر از نژادهای «هند و اروپایی» به شمار می آید و از زمان به وجود آمدن آن، مدتهای طولانی سینه به سینه و شفاهی نقل می گردید و در ارتباط با تاریخچه پیدایش این اثر به علت عدم اطلاع از مولف آن و نیز عدم آگاهی از تاریخ به ثمر رسیدن آن نمی توان اظهار نظر نمود.

دکتر محمدجواد شمس در مقاله معرفی ادبیات ودایی می نویسد:

«تاریخ دقیق پیدایش آنها دانسته نیست و حتی درباره اصل و منشأ آنها نیز میان هندوان و هندو پژوهان غربی اختلاف نظر است.

به گفته داسگوپتا، در این باره اظهارنظرهای مهمی شده اما هیچ یک از آنها مقرون به صواب نیست؛ زیرا هندوان باستان گزارش های

تاریخی آثار ادبی، دینی و سیاسی خود را به ندرت حفظ و ثبت می‌کردند»^۱

این مجموعه دارای بخش هایی از قبیل «ریگ وِدا»^۲، «سامه وِدا»^۳، «یجورودا»^۴، «آتهروه وِدا» و کهن ترین نوشته از این مجموعه را «ریگ وِدا» تشکیل داده.

«دوسن» تقسیمی را از وداها ارائه داده به این نحو که برای هریک از چهار ودای مذکور یک مجموعه سرود (سمهیتا)، یک مجموعه قوانین «براهمانا» و یک «سوترا» قرار داده.

در ادامه هر «براهمانا» به سه قسمت تقسیم می شود به نام های «ویدهی» (احکام و دستورات) ، « آرتهاوادا » (توضیح احکام) و «اوپانیشادها».

حدسیات در تاریخ پیدایش این چهار بخش از ادبیات ودایی از این قرار است:

سمهیتا: ۲۰۰۰ تا ۱۱۰۰ ق م

^۱ معرفی ادبیات ودایی، ص ۱۶۴

^۲ نیایش ها

^۳ سرودها

^۴ نیایش کنندگان

براهمنه-آرنیکه: ۸۰۰-۱۱۰۰

اوپنیشاد: ۸۰۰-۵۰۰ ق م

سوتره-ودانگه: از ۵۰۰ قبل از میلاد به بعد^۱.

درباره وداها

«ریگ ودا» کهن ترین متن وداها است که دارای ده جزء (مَندله) بوده که مَندله های دو تا هفت، قدیمی ترین آنها محسوب می شود.

در ارتباط با تاریخ پیدایش آن نزد محققین، اختلاف نظر بسیار زیادی وجود دارد چنانکه می بینیم ماکس مولر، تاریخ پدید آمدن آن را ۱۲۰۰ - ۱۵۰۰ پیش از میلاد دانسته و «هوگ» نیز حدود ۲۴۰۰ قبل از میلاد و منجمین هندو معتقد به پیدایش آن در هزاره سوم و ششم قبل از میلاد می باشند که این نظریه از سوی برخی همچون «ماکدونل» رد شده چراکه معتقد به همانندی این متون با «اوستا» می باشد و تاریخ پیدایش قسمتهای قدیمی «اوستا» به بیش از ۸۰۰ سال قبل از میلاد باز نمی گردد.

^۱ معرفی ادبیات ودایی. ص ۱۶۷

در کتاب ادیان و مکتبهای فلسفی هند در ارتباط با محتوای این اثر چنین آمده:

"بیشتر مستشرقین قرن نوزدهم معتقد بوده اند که سرودهای « ودا » پرداخته و ساخته تخیلات ساده و بچگانه بشر اولیه است. یعنی آدمی که در مقابل نیروهای اسرارآمیز طبیعت احساس ترس و وحشت می کرد و خویشان را هر دم دستخوش غضب این عناصر در هم گسیخته می یافت و می کوشید که بدانان صفاتی چند بخشد و آنها را تحت مفهوم رب النوعی جلوه دهد و پرسش و نیایش کند تا مگر با قربانی و نثار هدایا و خیرات گوناگون نظر لطف و مرحمت آنان را جلب کند و از گزند خشم آنها در امان باشد.

«ماکس مولر» می گوید: «آنهائیکه سرودهایی چند از ریگ ودا بخوانند به وضوح خواهند دانست که اینان اشاره به پدیده های اصلی طبیعت اند و بدین ترتیب برای درک این سرودها نیازی به آشنائی پیشین نیست زیرا کودکان نیز قادر به درك آنان هستند».^۱

«سامه ودا» دارای ارزش خاصی نمی باشد چراکه مقدار زیادی از آن مأخوذ از «ریگ ودا» می باشد.

^۱ ادیان و مکتبهای فلسفی هند. ص ۳۴

«یجور ودا» کاملاً به مراسم و آداب ودایی پرداخته.

«آتهروه ودا» یا «ودای عوام» هیچ شباهتی به ریگ ودا نداشته و نام دیگر این ودا، «ودا برهمه ودا» می باشد و ظاهراً محتویاتش قدیمی تر از سایر وداها می باشد.

اوپانیشادها

اوپانیشادها (ودانتا) قسمت پایانی از مجموعه وداها می باشد از میان اوپانیشادها حدود ۱۰-۱۲ عدد از آنها دارای کهن ترین و مهم ترین متون بوده که ظاهراً قرن ها سینه به سینه نقل شده اند و در مورد تاریخ نگارش آنها برخی معتقدند احتمالاً این متون به قرن های هفتم یا هشتم میلاد و پیش از دوره ی «بودا» (پیش از قرن ششم میلادی) مرتبط می باشند به نام های:

— قدیمی ترین بخش ها:

بریه د آرینکه، چاندگیه. (زبان آنها شبیه به سانسکریت ودایی است)

— بخش هایی که احتمالاً قرن ۵ یا ۶ قبل از میلاد نگارش یافته اند:

موندکه، ایشه، کتهه، شوتاشوتره، مهاناراینه.

— احتمالاً اواخر قرن ۵ قبل از میلاد به نگارش درآمده:

پرشنه، جاباله، ماندوکیه، میتراینی (زبانی شبیه به سانسکریت کلاسیک)^۱.

^۱ معرفی ادبیات ودایی. ص ۱۸۶

آئین بودا

«گوتاما بودا» در قرن ششم پیش از میلاد یعنی در سال ۵۶۰ در منطقه «لومبینی» در جنوب نیال به دنیا آمد.

چگونگی ولادت وی همچون بسیاری از اسطوره های ملل و نحل همراه با افسانه های غیر قابل پذیرش همراه است چنانکه در مورد وی نیز آورده اند قبل از اینکه به دنیا بیاید «بودی ساتوائی» (بالقوه) بوده که در فردوس «توشیتا» حیات داشته و در زمانی که قرار بر این شد تا به دنیا بیاید وی پدر و مادر خود را انتخاب نمود. در نتیجه مادر وی در خواب دید که فیل سفید و با شکوهی از آسمان فرود و در بطن وی قرار گرفته.

این کودک پس از به دنیا آمدن شروع به خواندن سرود پیروزی نمود و در ده جهت از فضا قدم برداشته و شخصی را در جهان مشاهده نکرد که بتواند با وی مقابله کند.

در روز ولادت وی زمین لرزه های متعددی به وقوع پیوست، باران بارید، گل‌های زیبا شکوفا گشته، بوی عطر همه جا را فرا گرفته بود و سرودهای آسمانی به گوش می رسید و آبهای شور به آب های شیرین تبدیل شده.

این شخص از شاهزادگان قبیله «شاکیا» یا «شیاکیاها» بود. وی در سن ۲۹ سالگی پس از اینکه ازدواج نمود روزی در شهر به گردش می پرداخت با نشانه هایی که در زمان ولادت وی برای پدرش تعریف نموده بودند برخورد نمود و بالاخره تصمیم بر گوشه نشینی می گیرد. لذا همان شب به خانه رفته و با زن و فرزند خود که در خواب بودند وداع نمود و با ارابه ران و اسب خود از دروازه های بسته ی شهر که به قدرت خدایانش باز شده بودند عبور نمود. در نهایت وی به قعر جنگل رفت و ظاهر خود را به صورت راهبان دوره گرد درآورد و به نزد دو استاد که وی را تعلیم نمایند رفته تا راه و رسم آرامش ابدی و مقام جاویدانی نیروانا را بیاموزد اما آن دو استاد نتوانستند انتظار بودا را به حد کمال رسانند و بنابراین از آنها جدا شد و به همراه چند مرتاض دیگر به خلوت گزینی روی آورد و در این حالت به ریاضت شدید روی آورد تا جایی که نیروی وی تمام شد و پس از ۶ سال که به این امر مبادرت ورزیده بود فهمید که واقعیت مطلق را از این راه نمی توان به دست آورد و در نتیجه به زندگی طبیعی خود بازگشت.

در پس این اتفاق، مرتاضانی که با وی همراه بودند از وی جدا گشتند چراکه تصور نمودند بودا از مسیر خود خارج شده.

پس از این واقعه وی به زیر درختی می رود که شرح آن را اینگونه می خوانیم:

"بودا زیردرختی که از آن پس آنرا درخت « بیداری و روشنائی » نام گذارده اند در جهت مشرق نشست و با خود گفت « تا هنگامی که به واقعیت نرسم از این محل تکان نخواهم خورد. سپس به تفکر و تمرکز نیروی معنوی و مراقبه احوال درون پرداخت، ولیکن «مارای» حيله گر و شیطانی مدام سعی می کرد تا او را اغوا کند.

نخست با تهدید و بعد با فرستادن ماهرویان افسونگر کوشید تا شهوات مرتاض بزرگ را برانگیزد و توجه او را از حق منحرف سازد و او را از وصول به واقعیت جهان باز دارد. ولی کوچکترین خللی در اراده گسست ناپذیر «گوتاما» پدید نیامد و سرانجام هنگام شب، واقعیت نقاب از چهره فروغ آگین خویش برداشت و وی بتدریج بمراتب بالاتر و ممتاز تر آگاهی و هشیاری شاعر شد و فروغ بی پایانی در اعماق وجودش سریان یافت و با علمی شهودی، به کنه اسرار جهان پی برد.^۱

نهایتاً وی به مدت چهل سال در کشور هندوستان به سفر و تبلیغ تفکرات خود پرداخت.

^۱ ادیان و مکتبهای فلسفی هند. ص ۱۳۶

در متون «پالی» نوشته شده که تاریخ فوت وی در سال ۴۸۰ پیش از میلادی یعنی در سن هشتاد سالگی بوده.

برخی همچون «رایس دیویدس» بودا را از معتقدین به مبانی آئین هندو دانسته اند اما در عین حال باید گفت که بین این دو نگرش اختلافات اساسی به وجود آمد و او را نمی توان از پیروان آیین هندو به شمار برد.

"جای تردید نیست که هرچند هم که رایحه معنویت هندو بالاخص «اوپانیساده‌ها»، در آن رخنه کرده باشد، اختلاف فاحشی نیز در آغاز بین این دو وجود داشته که منجر به جدائی قاطع آنها گردید و آئین هندو، کیش بودائی را غیر متشرع و خارج از نظام خود دانست. زیرا کیش بودا در بدو امر، سندیت معنوی «وداها» را نمی پذیرفت و آئین «آتمان» را که اساس تعلیمات «اوپانیساده» بود تکذیب می کرد."^۱

^۱ ادیان و مکتبهای فلسفی هند. ص ۱۲۸



کهن ترین آثار

قدیمی ترین آثار بودایی به زبان های «پالی» و پس از آن «سانسکریت» است.

این نوشته ها شامل سه مجموعه (سبد) با عنوان های «سوتایی تاکا»، «وینایایی تاکا» و «آبهی دامایی تاکا» می باشد.

در این بین «سوتاها» در مقایسه با «آبهی داما» قدیمی تر محسوب شده اما در ارتباط با تاریخ نگارش آنها همچون منابع آئین هندو، تاریخ دقیقی را نمی توان در نظر گرفت.

با این حال احتمالاتی در این زمینه وجود دارد که یکی از آنها اشاره به پایان نگارش این مجموعه در حدود سال های ۲۴۱ قبل از میلاد دارد در جایی که سومین شورای بزرگ بوداییان در زمان حکومت «آشوکا» تشکیل گردید.^۱

در ارتباط با شوراهای بوداییان می بایست اشاره کرد که پس از فوت بودا، شاگردان و مریدان وی جمع شده تا اندیشه های بودا را حفظ نمایند به این سبب اولین مجمع از پیروان وی در همان تاریخ فوت تشکیل گردید.

دومین شورا در یک صد سال پس از این واقعه تشکیل یافت. تشکیل این شورا سبب شد تا دو گروه از راهبان بودایی از یکدیگر جدا شوند چراکه ایشان

^۱ همان، ص ۱۳۰

بر سر اصول دهگانه ی آداب معنوی با یکدیگر به اختلاف رسیدند و در نهایت گروهی از راهبان که معتقد به تعلیمات اصیل بودایی بودند از جلسه خارج شده و گروه باقی مانده تغییراتی را در کیش بودا به وجود آوردند و مکتب «ماهایانا» از همین تاریخ به وجود آمد.

سومین شورا نیز در زمان امپراطوری «آشوکا» تشکیل گردید.

چین

آیین جین، تشکلی رهبانی است که با اصول و قوانینی که در آن وضع شده سعی در رسیدن به آرامش ابدی دارد.

کیش جین، همچون کیش بودا، آسمانی بودن وداها را نپذیرفت اما همچون آیین بودا به نوعی از شاخه های فرعی دین هندو به شمار می رود.

در متن کتب جینی اشاره به حضور رهبرشان یعنی مهاویرا در بیش از ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح اشاره شده که به تایید خداوند، مبلغ دین جایی قرار گرفته.

داریوش شایگان معتقد است که «ماهاویرا» موسس و بنیان گذار آئین جین نمی باشد زیرا قبل از وی شخصی به نام «پارشوا» وجود داشته که در قرن هشتم قبل از میلاد حیات داشته، علاوه بر آن سنن جین قائل به حضور فردی دیگر قبل از «پارشوا» به اسم «آریشتانمی» حضور داشته که ۸۴۰۰۰ سال پیش به نیروانا پیوسته^۱.

ابتدای حالات «ماهاویرا» را این گونه نوشته اند که در ابتدا یک سال و یک ماه لباس پوشید اما پس از آن تبدیل به یک زاهد عریان شد و شاید این عمل و

^۱ همان، ص ۱۸۵

سایر ریاضت های جسمانی که بر خود بار نموده بود باعث شد که وی از انسان ها، زخم های فراوانی را متحمل شود.^۱

در «کتاب مقدس شرق» آمده:

"در سال سیزدهم، در حال چنباتمه زدن،... هنگامی که در مقابل گرمای سوزان خورشید قرار داشت... و زانوهایش بالا و سرش رو به پایین بود در حال تفکر عمیق، در یک حالت ریاضت محض به نیروانا دست یافت به مطلق بی نهایت (کوالا) کامل و پُر بدون هیچ گونه مانع و عایقی".^۲

در مورد این شخصیت همچون سایر اسطوره ها، افسانه های گوناگونی ساخته شد؛ مثلاً در مورد او آورده اند که وی افکار همه دانشمندان را می دانست و صاحب یک ادراک و دانش بی حد و مرز بود.

در نهایت «ماهاویرا» در سال ۵۲۶ قبل از میلاد در شهر «پاوا» به نیروانا پیوست.^۳

^۱ ادیان زنده جهان. ص ۸۵

^۲ همان، ص ۸۶

^۳ ادیان و مکتب های فلسفی هند. ص ۱۸۵



کهن ترین آثار

مجموعه نوشت های آیین جین «آگمه ها» یا «سیدهانتاها» نام دارد.

زبان متون مقدس جایی «پراکریت» (السنه محلی، بومی اولیه هندوستان) است و پس از این زبان، تفاسیر و سایر کتب جینی به زبان سانسکریت می باشد.

قدیمی ترین این مجموعه کتاب «آنگاها» ست که روایت های اولیه نظام رهبانی جین و خطبه ها و گفت گوهای «ماهاویرا» (قرن ششم پیش از میلاد) در آن نگاشته شده است.

در رابطه با اصالت متون جینی در میان پیروان این دین، اختلاف نظر وجود دارد:

"فرقه «استهاناک وستی» تنها سی و سه متن از این متون را قانونی می داند، در حالی که فرقه «اسوتام بارا» چهل و پنج متن را مستند و قانونی می داند. بعضی از پیروان این دین نیز مدعی یک فهرست هشتاد و چهارتایی هستند."^۱

^۱ ادیان زنده جهان. ص ۸۸

پورانها

پورانها مجموعه نوشتارهایی است که در بین معتقدین به آنها مقدس شمرده شده اند و حتی در میان سنت هندو برخی معتقد هستند که این مجموعه، هم ارزش با وداها می باشد و از این بالاتر نیز اینکه عده ای از ایشان برای بخش هایی از پورانها ارزش بالاتری از «وداها» قائل شده اند.

اسامی آنها به این ترتیب می باشد:

ویشنو - شیوا - بهاگاواتا - نارادیا - برهما و پرواتا - لینگا - واراها - برهما - پادما - مارکاندیا - اگنی - بهاویشیا - گارودا - برهماندا - اسکاندا - وامانا - کورما - ماتسیا.

این نوشتارها به زبان سانسکریت می باشند و بیانگر موضوعاتی همچون ادوار جهانی، شجره نامه خدایان، شجره نامه ی عرفا و سلاطین و داستان های آفرینش بوده که به نوعی آنها را می توان با نام دائرة المعارف و یا به نوعی کشکول ادبیات عامیانه دانست.

در ارتباط با تعداد «پورانها» باید گفت که همواره آنها را ۱۸ عدد دانسته اند و از نظر قدمت دارای تاریخ های نگارش متفاوتی می باشند و در کل تاریخ

نگارش آنها نیز مانند سایر مکاتب و تفکرات بزرگ و کهن هند، مشخص نمی باشد.

داریوش فرهنگ در ارتباط با تاریخ نگارش پوراناها می نویسد:

"ممکن است که قدیمی ترین «پوراناها» در دوره بعد از جنگ بزرگ «بهاراتا» یعنی پانصد سال پیش از میلاد مسیح فراهم شده باشد زیرا شجره نامه پادشاهان و عارفان و فرزنانگان بزرگ آن مرز و بوم که در «پوراناها» مندرج است در همان تاریخ پایان می پذیرد. اما باید خاطرنشان ساخت که صورت ابتدائی «پوراناها» در دسترس ما نیست. «پوراناها» کنونی بی گمان مأخوذ از منابع قدیمتر است و حکم کردن قطعی براینکه این متون چسان پدید آمده و از آن کدام عصر است معماست لاینحل.

"ویلسون، معتقد است که تاریخ نگارش «پوراناها» فعلی را می توان قرن هشتم و نهم میلادی تخمین کرد، و این آثار، قدیمی تر از عصر حکیم بزرگ «ودانتا» یعنی «شانکاراچاریا» که در قرن هشتم و نهم میلادی میزیسته است نمی تواند بود".^۱

^۱ ادیان و مکتبهای فلسفی هند. ص ۲۸۰

بهاگوات گیتا

هندوان یکی از مقدس ترین آثاری را که برای آن ارزش بسیار والایی متصور هستند را «بهاگوات گیتا» شمرده تا جایی که آن را در ردیف «اوپانیشادها» می دانند.

این مجموعه به داستان جنگ فرزندان «بهارات» می پردازد که در اطراف شهر دهلی امروزی صورت می پذیرد.

"گیتا هیجده گفتار است که نخستین آنها لحن حماسی دارد، لیکن گفتارهای دیگر بیانی است شاعرانه از مباحث فلسفی و مذهبی که نه سبک آن با سبک رزمنامه هماهنگی دارد و نه مضمون آن با موقعیت جنگ و ناوردگاه سازگار می نماید.

بنظر می رسد که سراینده گیتا داستان جنگ را بهانه و دستاویز بیان اندیشه های خود ساخته است. این طرز کار مخصوصا در میان نویسندگان و شعرای شرق نظایر زیاد دارد چنانکه افسانه سیمرغ و داستان لیلی و مجنون و قصه خسرو و شیرین و حکایت یوسف و

زلیخا در دست شاعران ایرانی وسیله بیان اندیشه های فلسفی و عرفانی گردیده است.^۱

در ارتباط با تاریخ نگارش این اثر نیز همانند سایر منابع هندی مذکور، نظرات گوناگونی وجود دارد که هریک از ایشان به ادله ای روی آورده ولی هیچکدام دلیل قطعی برای تاریخ آن به شمار نمی آیند چنانکه می بینیم برخی همانند «لُرنینسر» آن را مأخوذ از اناجیل اربعه دانسته و زمان نگارش آن را پس از میلاد مسیح و بودا شمرده و در مقابل اشخاصی مثل «داسگوپتا» این نظر را تخیلی می پندارد و می گوید این اثر متعلق به دوران قبل از بودا می باشد. دیگر نظر مربوط به «گارب» می شود که تاریخ آن را در نیمه اول سده دوم پیش از میلاد دانسته و می گوید پس از این دوران است که تغییراتی در آن صورت گرفته.^۲

^۱ گیتا، ص ۱۳

^۲ ادیان و مکتبهای فلسفی هند. ۲۸۷.



عهد عتيق

عهد عتیق یا قدیم تنها بخش مورد وثوق یهودیان است که در طی سالیان و قرن‌های گوناگون به دست نویسندگان مختلف نگاشته شده است و آنچه که مسلم است اطلاع نداشتن از تاریخ دقیقی در زمان نگارش مهمترین بخش‌های آن است کما اینکه از زمان دقیق حضور پیامبر یهود- موسی (ع)- نیز اطلاعی در دست نیست بلکه اختلافات گوناگونی در زمان آن به چشم می‌خورد، اگرچه برخی محققین، وی را هم عصر رامسس دوم (۱۲۷۹-۱۲۱۳ قبل از میلاد)^۱ معرفی نموده اند اما به نظر می‌رسد اشکالاتی در این نظر وجود داشته باشد.

به هر ترتیب این مجموعه بخش اول از کتاب مقدس می‌باشد که متشکل از ۳۹ کتاب و ۹۲۹ فصل می‌باشد.

این مجموعه به اعتقاد یهودیان در زمانی حدود هزار سال نوشته شده است یعنی در حدود ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد به دست موسی آغاز و حدود ۴۰۰ پیش از میلاد با کتاب ملاکی به اتمام رسید.

در باب نگارش اولیه بخش‌هایی از تورات در سفر تثییه، باب ۳۱ آیات ۹ تا ۱۲ چنین می‌خوانیم:

^۱ از دودمان نوزدهم مصر که قبل ازستی یکم و پس از مریتاه حیات داشته.

«و موسی این تورات را نوشته آن را به بنی لاوی گَهَنه که تابوت عهد خداوند را بر می داشتند و به جمیع مشایخ اسرائیل سپرد و موسی ایشان را امر فرموده گفت که در آخر هفت سال در وقت معین سال انفکاک در عید خیمه ها چون جمیع اسرائیل بیایند تا به حضور یَهُوه خدای تو در مکانیکه او برگزیند حاضر شوند آنگاه این تورات را پیش جمیع اسرائیل در سمع ایشان بخوان ...»^۱

بنا بر آنچه که یهودیان معرفی نموده این عهد به سه قسمت توراه (تورات)،
نِوئیم و کتوئیم تقسیم می شود.

^۱ برخی غیر محققین تصور می کنند به دلیل اینکه خود کتاب به اصطلاح مقدس اشاره به نگارش خود یا عدم تحریف کرده می بایست که چنین باشد در حالی که باید دانست در ابتدا این مقدس بودن و عدم تحریف باید ثابت شود و پس از آن به سراغ موضوعات داخل کتاب ها پرداخت و یکی از راه های اثبات و یا عدم اثبات همین روشی است که در این کتاب از ابتدا تا انتها به آن اشاره می شود.

تورات

تورات حاصل پنج کتاب است با عناوین:

۱. پیدایش (پَرشیت، آفرینش جهان)
 ۲. خروج (شِموِت، خروج از مصر)
 ۳. لاویان (وِیِقرّا، قوانین مربوط به کاهنان)
 ۴. اعداد (بَمیدبار، سرشماری)
 ۵. تثنیه (دِواریم، تکرار قوانین توراِه)
- به اعتقاد یهود این پنج کتاب، فرمان های خداوند به موسی بوده که در سال ۱۳۱۲ قبل از میلاد به وی داده شده است^۱.

نوئیم

بخش دوم از عهد عتیق را کتاب پیامبران یا نوئیم تشکیل می دهد که دارای ۲۱ کتاب است:

^۱ شوفار، شماره ۲۶۸

دسته اول: یوشع، داوران، اول سموئیل، دوم سموئیل، اول پادشاهان و دوم پادشاهان.

دسته دوم: اشعیا، ارمیا، حزقیال، هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکا، ناحوم، حبقوق، صفنیا، حجی، زکریا و ملاکی.

کتوبیم

بخش سوم از عهد عتیق، شامل کشکولی از نوشتارهایی با مضامین گوناگون می باشد.

زبان نگارش

زبان اصلی و غالبی عهد عتیق «عبری» می باشد که زبان باستانی قوم یهود شمرده شده و زبان دیگر را «آرامی» تشکیل داده که هر دوی اینها از شاخه های زبان سامی می باشند.

منابع تورات

از حدود سالهای ۱۸۵۰ میلادی به بعد نظریات متعددی در نقد «تورات» و سایر بخش های کتاب مقدس، ارائه شد که یکی از مهمترین آنها بحث از منبع اصلی نوشته های کتاب مقدس می باشد.

در این بخش نیز دو نظر بسیار مهم وجود دارد از جمله اینکه توراتی که امروزه موجود است هیچ ارتباطی با «تورات» موسی ندارد چراکه تورات، قرن ها مفقود بوده و پس از آنکه بخشی از آن پیدا شد «عزرای کاتب» آن را تنظیم نمود.

نظریه دیگر نیز اشاره به تعدّد نویسندگان تورات دارد که شاید یکی از آنها را بتوان موسی دانست.



کهن ترین نسخه ها

کتاب های عهد عتیق به دست کاتبان یهودی نسخه برداری شدند و بدینسان از نسلی به نسل بعد انتقال یافتند.

هر بار که کاتبی نسخه ای جدید از کتابهای مقدس را نسخه برداری می نمود، نسخه قدیمی را نابود می کرد. به همین دلیل، قدیمی ترین نسخه های عهد عتیق دیگر موجود نیستند. درواقع، قدیمی ترین نسخه کامل عهد عتیق در قرن دهم میلادی نسخه برداری شده است.^۱

طومارهای دریای مرده نیز حدود قرن اول و دوم قبل از میلاد نگاشته شده^۲ و تا پیش از کشف طومارهای دریای مرده، قدیمی ترین نسخ دست نویس «عهد عتیق» نسخه لنینگراد مربوط به سال ۹۱۶ میلادی بود. اکنون نسخی از اشعیا و دانیال در دست داریم که متعلق به حدود یکصد سال پیش از میلاد مسیح است.^۳ بروس واتکی می نویسد: «هیچ یک از نسخ دست نوشته «کتاب مقدس عبری» را نمی توان به کمک باستان شناسی و فیزیک هسته ای با اطمینان به پیش از سال ۴۰۰ ق.م نسبت داد».^۴

^۱ تفسیر کاربردی عهد جدید، ص ۱۵۵

^۲ همان، ص ۱۵۵

^۳ سیر تحول کتاب مقدس، ص ۲۳۰

^۴ سیر تحول کتاب مقدس به نقل از نقد کتاب مقدس، ص ۵۱

اما تنها متن کامل از «عهد عتیق عبری» را نسخه ی «مَسورایی» دانسته اند که به حدود سال ۹۰۰ میلادی مرتبط می دانند.



انجيل

متون مورد نظر دین مسیحیان را در بخش دوم از کتاب مقدس یعنی «عهد جدید» می توان مشاهده نمود.

برخلاف عهد عتیق که مورد تایید مسیحیت و یهودیت می باشد این بخش (عهد جدید) تنها مورد نظر مسیحیان می باشد و مشتمل بر ۲۷ کتاب و رساله است که ظاهراً توسط نه و یا هشت نفر به نگارش درآمده.

پنج بخش بسیار مهم از این مجموعه عبارتند از چهار انجیل مرقس، متی، لوقا و یوحنا و بخش اعمال رسولان.

اما نکته حائز اهمیت این است که بسیاری از افراد تصور می کنند که نگارنده های این چهار انجیل، مرقس، متی، لوقا و یوحنا می باشند حال اینکه در متن یونانی انجیل ها کلمه ای همراه انجیل وجود دارد به نام کاتا kata که به معنای منسوب بودن و واژگان از این دست می باشد که ترجمه ی آن می شود: «انجیل منسوب به متی یا انجیل به قول متی».^۱

^۱ سیر تحول کتاب مقدس، ص ۲۲۷

معرفی اجمالی

انجیل مرقس: مرقس را شاگرد پطرس رسول معرفی کرده اند و این انجیل احتمالاً در حدود ۶۰ میلادی نگاشته شده.

انجیل متی: احتمالاً بین ۵۰ - ۸۰ میلادی نگاشته شده.

انجیل لوقا: احتمالاً در حدود ۶۰ میلادی توسط «لوقا» که به شغل طبابت مشغول بود نگاشته شده. علاوه بر این کتابت «اعمال رسولان» را از او دانسته.

انجیل یوحنا: در مورد زمان تألیف این انجیل اختلافات زیادی وجود دارد که در مجموع، تاریخ نگارش آن را در حدود سال های ۵۰-۱۴۰ میلادی بیان کرده اند.

اعمال رسولان: تاریخ نگارش این بخش که ادامه ی انجیل لوقا پنداشته شده را در حدود ۶۰ میلادی دانسته اند.

کهن ترین نسخ

کهن ترین نسخه ای که امروزه از «عهد جدید» وجود دارد قطعه ای از پاپیروس «جان رایلندز» می باشد که مربوط به انجیل «یوحنا» است و تاریخ تخمینی آن را به ۱۲۵ میلادی و تاریخ متعارف آن به ۱۵۰ میلادی گفته شده است.^۱

«آیرنیوس، نخستین نویسنده کهن است که از ۴ انجیل یاد می کند. تقریباً ۴۰۰ نقل قول از آن ها نمود و بیشتر از آن از رساله های پولس. کِلِمَنَس اسکندرانی ۳۲۰ نقل قول از عهد جدید دارد که بسیاری از آنها از اناجیل است. ترتولیانوس کمتر از ۷۰۰ نقل قول از اناجیل ندارد. این تعداد نقل قول در آغاز قرن سوم و سکوت مطلق قبل از این زمان؛ دلیل بر این است که اناجیل تا قبل از آن مشهور نبودند و بین ۱۷۰-۱۸۰ م نوشته شدند و زمانی که این اناجیل توسط نویسندگانی نوشته شدند مدت ها بود که شاگردان عیسی در گذشته بودند...

در زمان آیرنیوس و ترتولیانوس یعنی حدود ۲۰۰ میلادی، حداقل ۴۰ انجیل، ۴۰ اعمال رسولان و یادواره آن، ۲۰ مکاشفه و صدها عدد نوشته های عهد جدیدی وجود داشت. از میان آنها ۴ انجیل و ۱۶

^۱ همان، ص ۲۳۰

نوشته دیگر را انتخاب کردند و از آنچه که باقی مانده بود ۴۰ تای آن را حفظ کردند اما بقیه بدون هیچ ردپایی مفقود شدند».^۱

در ادامه به توضیحات پروفیسور «دن والیس»^۲ یکی از برترین کارشناسان حوزه نسخه‌های دست‌نویس روایات انجیل خواهیم پرداخت که به چگونگی و درک خواننده از مطالبی که تاکنون آمده و خواهد آمد کمک نماید:

Perhaps the oldest fragment is Papyrus number 52 (P52), also known as John Rylands Papyrus number 457, and this is housed at the John Rylands Library of Manchester City University in England. It was discovered in 1934 by C.H. Roberts, who was a man recently doctored, got his Ph.D. in Papyrology and in Classics and he was rummaging around in the Library of John Rylands and discovered this fragment that is no larger than the palm of my hand, 2.5" × 3.5". The interesting thing about this fragment was that it was written on both sides. what that told him almost immediately, it was probably a Christian fragment. The reason is, if it's written on both sides, it'd be written on codex which is our modern book

^۱ همان، ص ۲۲۴ و ۲۲۵

^۲ Dan Wallis



form invented at the end of the 1st century AD. A codex, where you bind it on one side and you have cut pages that you flip, as opposed to the roll or the scroll that all the other books at the time had been written on and so this is written on both sides, and John 18 : 31-33 was on one side and John 18 : 37 and 18 : 38 on the other.

Ninety years earlier than when C.H. Roberts discovered this fragment, in 1844 in the journal, the Tübingen Jahrbuch, F.C. Baur of Tübingen University had argued that John's Gospel cannot be dated any earlier than AD 160 and most likely was to be dated about AD 170. He was basing this on philosophical constructs that he had learned from his professor of Philosophy Hegel who had come up with Hegelian Dialectic which we may know as thesis, antithesis, and synthesis. And so, through a convoluted philosophical construct, Baur argued John's Gospel can't be dated any earlier than 160 or probably 170, and through that approach of bringing Hegelian Dialectic into New Testament studies, what happened was European scholar after European scholar for the next 90 years started to late date the Gospel of John.

Obviously, if it's in the second half of the 2nd century, then it has no eyewitness credibility to it and so its historical reliability was completely dashed.

But, then when Roberts discovers the small fragment, he gets it published in 1935 after he had sent photographs of it to 3 leading papyrologists in Europe at the time. Each one of them wrote back to him and said: "this manuscript cannot be dated any later than AD 150, and it should be dated closer to AD 100". A fourth demurred, he said "no, I think this should be dated in the 90's of the first century". So you have these scholars who are saying the copy of John's Gospel can't be dated later than 150's, probably closer to 100. Typically, we date that about 125 now, but really it's a day between 100 and 150. But here is the interesting thing: Generally speaking, a copy of a manuscript is not written before the original of the document, this sent two tons of European scholarship to the flames and brought John's Gospel back into the first century, and with that and the dead sea scrolls and some other things that have occurred in the last few decades, now we're beginning to see that John's Gospel has historical credibility.

ترجمه ی عبارت:

احتمالاً قدیمی‌ترین قطعه پاپیروس ۵۲ است که به پاپیروس ۴۵۷ جان رایلندز هم معروف بوده و در کتابخانه جان رایلندز دانشگاه شهر منچستر در انگلستان نگهداری می‌شود.

این قطعه توسط سی.اچ رابرتز در سال ۱۹۳۴ کشف شد که اخیراً مدرک دکترای خود را در رشته پاپیروس شناسی و مطالعات کلاسیک گرفته بود و حین جستجو در کتابخانه جان رایلندز، این قطعه را کشف کرد که از کف دست من بزرگ‌تر نیست و ۲۰۵ در ۳۰۵ اینچ است.

نکته جالب قطعه این بود که هر دو طرفش نوشته شده بود و رابرتز تقریباً بلافاصله فهمید که این قطعه مسیحی است زیرا اگر هر دو طرفش نوشته شده باشد باید در قالب دفتر نوشته می‌شد که قالب امروزی کتابت ما از اواخر قرن ۱ پس از میلاد است. قالب دفتر به‌گونه‌ای است که یک‌طرف آن دوخته و صحافی می‌شود و صفحات بریده‌ای دارد که آن‌ها را می‌توان ورق زد، برخلاف لوله یا طومار که قالب سایر کتاب‌ها در آن زمان بود. هر دو طرف این قطعه طرف نوشته شده و یک‌طرف آن یوحنا ۱۸:۳۱ - ۳۳ و در طرف دیگر یوحنا ۱۸:۳۷ و ۱۸:۳۸ قرار داشتند.

۹۰ سال پیش از کشف این قطعه توسط سی.اچ.رابرتز، در سال ۱۸۴۴ و در ژورنال توینگن یاربوک، «اف.سی.باور» از دانشگاه توینگن اظهار کرد که نمی‌توان انجیل یوحنا را به قبل از سال ۱۶۰ بعد از میلاد نسبت داد و به احتمال زیاد متعلق به حوالی سال ۱۷۰ بعد از میلاد است. ادعای او بر اساس ساختارهای فلسفی برگرفته از استاد فلسفه‌اش یعنی هگل بود که دیالکتیک هگل را در قالب معروف تز، آنتی‌تز و سنتز مطرح کرد. بنابراین بر اساس یک ساختار فلسفی پیچیده، باور ادعا کرد که نمی‌توان انجیل یوحنا را به قبل از سال ۱۶۰ یا احتمالاً ۱۷۰ نسبت داد و با به‌کارگیری دیالکتیک هگل در مطالعات کتاب عهد جدید، به مدت نود سال محققان اروپایی یکی پس از دیگری انجیل یوحنا را به پس از سال ۱۷۰ نسبت می‌دادند. بدون شک اگر در نیمه دوم قرن ۲ باشد، هیچ شاهد عینی ندارد و بنابراین اعتبار تاریخی آن کاملاً از بین رفته است.

اما رابرتز با کشف قطعه کوچک، آن را در سال ۱۹۳۵ منتشر کرد، در حالی که پیش از آن عکس‌های قطعه را به سه پایپروس شناس برتر وقت در اروپا فرستاده بود و هر یک در پاسخ گفتند که حداکثر تاریخ نگارش این نوشته مربوط به ۱۵۰ سال بعد از میلاد است و باید نزدیک به ۱۰۰ سال پس از میلاد باشد. ولی پایپروس شناس چهارم مخالف بود و گفت که نه فکر کنم این باید متعلق به دهه ۹۰ قرن اول باشد. پس این محققان می‌گویند که نسخه رونوشت



انجیل یوحنا را نمی‌توان به پس از سال ۱۵۰ نسبت داد و احتمالاً نزدیک به سال ۱۰۰ است. امروزه معمولاً از سال ۱۲۵ به عنوان تاریخ آن یاد می‌کنیم، ولی در حقیقت بین ۱۰۰ و ۱۵۰ است.

اما نکته جالب این است: معمولاً نسخه‌های رونوشت پیش از اصل سند نوشته نمی‌شوند، این نکته حجم زیادی از پژوهش‌های اروپاییان را زیر سؤال برد و انجیل یوحنا را به قرن اول بازگرداند و با توجه به این و طومارهای بحر المیت و اتفاقات دیگر در چند دهه اخیر، می‌بینیم که انجیل یوحنا دارای اعتبار تاریخی است.



اما به تازگی ادعایی از سوی برخی مراکز غربی، مبنی بر یافتن بخشی از انجیل مرقس که به قرن یک مرتبط می باشد صورت یافت که در قالب مومیایی ها به کار رفته بود.

بر همین اساس گفت و گویی که با دکتر «اوانز» از سوی Liberty University انتشار یافته را در اینجا ذکر خواهیم کرد:

Interviewer: Dr. Evans, tell us a little bit about, at least in general terms, some new discoveries of New Testament manuscripts that have been made. And just for our viewers, when we talk about New Testament manuscripts, we're talking about copies of copies, we don't have original New Testament manuscripts, those are called autographs, but what we have is copies. And so, scholars are constantly looking and archeologists are looking for new early copies. And tell us a little bit about where we're at with that, whether there are some new things that have happened there .

Dr. Evans: Well, first thing I really should tell you is that we have an abundance of riches. We have approximately 5800 Greek New Testaments, either whole or parts (fragments), and the manuscripts, as the word implies, handwritten, prior to the



Gutenberg press in the 15th Century. And we have dozens that date back to a time prior to Emperor Constantine, say the Nicaea Council of 325, and those tend to be the manuscripts that scholars, textual critics as they're called, are chiefly concerned with. And so we want to get as many old manuscripts as we can find, as close as we can get back to the 1st Century as possible. We have a handful of manuscripts that date to the 2nd Century .

So there are tens of thousands of manuscripts not yet examined, and when I say manuscripts, I mean of all kinds: Greek, Roman, whether or not they're Christian, whether or not they're Biblical. So there's just a mountain of material that you have to sift through. But we're also recovering fragments from what's called Cartonnage. It's ancient papier-mâché. Mummy masks were made out of that and other interesting shapes and so on that we find in tombs. Some of it's damaged, some of it is museum quality. And so, a technique in recent years has been developed that allows for - this papier-mâché, this Cartonnage - for the glue to dissolve without damaging the papyrus itself. Because when Cartonnage was made, whether it was for a mummy mask or a



part of the body or some other purpose, they never use brand new papers, it's too expensive, so it had writing on it; it's used paper .

So if you could take that apart, then you could read the text. And so, some mummy masks and some other pieces, damaged pieces of Cartonnage have been deconstructed. We have actually found two, maybe three, 2nd Century fragments of the Greek New Testament. We have found some early fragments of the Greek translation of the Old Testament, called Septuagint. Of course, the jackpot that everybody wants to hear about, we may have recovered a fragment of Mark. A few verses that's all we're talking about that could date to the 1st Century. And if this is confirmed, and we have to wait until it is published, then this would be, for the first time, a fragment of the New Testament has been found that reaches back to the 1st Century, it'd be the oldest fragment .

So these are the kinds of things that are going on that's very exciting. What does it do? If we find even just six verses - it's a sample - it's like taking a poll that we do in Politics all the time. You can't poll everybody, you poll %1 and that gives



you a good idea of what everybody's thinking. Well it's the same thing with a manuscript. If you get six or seven verses of the Gospel of Mark of some other writing, and it turns out the text matches the text that we have, that would suggest the whole document probably does too. So it would be a significant sample. So I look forward to the publication of this Mark fragment in a couple of years .

Interviewer: Yeah that's great, I mean because one of the things going on is with Mark. You kind of break these things up as I understand - I'm not a textual critic - in different books and what we have as far as manuscripts. One of the things that someone like Bart Ehrman says that this big gap between when the original was written and the manuscripts we have, who knows what happened. So he doesn't know, because we don't have anything, but it can go into this endless speculation. And so, as we inch back, and these discoveries made, and we inch back further to the original, I think the hope is that we find more and more and that will give us greater confidence in the manuscript tradition that we have .

ترجمه ی عبارت:

مجری: دکتر اوانز، کمی راجع به کلیّت اکتشافات جدید در زمینه دست نوشته های کتاب عهد جدید توضیح بدهید. باید به بینندگان بگوییم که منظورمان از دستنوشته های کتاب عهد جدید، نسخه های رونویس است، ما اصل دستنوشته های کتاب عهد جدید را نداریم (به آنها نسخه دستنویس گفته می شود)، نسخه های ما کپی هستند در نتیجه محققان و باستان شناسان به دنبال نسخه های اولیه جدیدی هستند. کمی درباره این روند صحبت کنید و بگویید که آیا اتفاقات جدیدی رخ داده یا خیر.

دکتر اوانز: خوب اولین نکته ای که باید بگوییم این است که نسخه های فراوانی داریم. حدوداً ۵۸۰۰ نسخه (کامل یا قطعه ای) از کتاب عهد جدید به زبان یونانی را داریم و همانطور که از معنای کلمه مشخص است، دستنوشته ها به صورت دست نویس هستند و مربوط به قبل از دستگاه چاپ گوتنبرگ در قرن ۱۵ بودند. ده ها نسخه داریم که به قبل از امپراطور کنستانتین (مثلاً شورای نیقیه ۳۲۵) برمی گردند و مهمترین دستنوشته ها برای پژوهشگران (معروف به ناقدان ادبی) هستند. در نتیجه هدف این است که بیشترین تعداد ممکن از این دستنوشته های قدیمی را بیابیم و تا می توانیم به قرن یکم نزدیکتر شویم. چندین دستنوشته داریم که به قرن دوم باز می گردند.

پس ده ها هزار دستنوشته داریم که بررسی نشده اند و منظوم دستنوشته های یونانی، رومی، مسیحی یا غیرمسیحی از انجیل یا کتابهای دیگر است.

پس کوهی از مطالب است که باید بررسی شود. همچنین قطعاتی را کشف کردیم که از جنس چیزی به نام کارتونیج هستند.

کارتونیج چیزی مثل خمیر کاغذ باستانی است. نقاب خیلی از مومیایی ها از همین جنس و شکل های جالب دیگری بود که در مقبره ها پیدا می کنیم. برخی آسیب دیده اند، ولی کیفیت بعضی در حد موزه است.

بنابراین شیوه ای در سالهای اخیر طراحی شده که بدون آسیب زدن به خود پاپیروس، چسب (خمیر کاغذ و کارتونیج) را ذوب می کند. زیرا وقتی کارتونیج برای نقاب مومیایی یا بخش دیگر بدن یا منظوری دیگری ساخته شد، آنها از کاغذهای تازه استفاده نمی کردند، زیرا گران قیمت بودند و در نتیجه کاغذها نوشته شده بودند و کاغذ باطله بود.

پس با جدا کردن چسب می توان متن را خواند. بنابراین نقاب مومیایی ها و سایر تکه ها (تکه های آسیب دیده کارتونیج) باز شده اند. در واقع دو یا سه قطعه از عهد جدید یونانی را پیدا کرده ایم که به قرن دوم باز می گردند. قطعه های قدیمی از ترجمه یونانی کتاب عهد عتیق را یافتیم که هفتادگانی نام دارد.

البته مهمترین خبری که همه به دنبالش هستند این است که احتمالاً قطعه ای از انجیل مرقس را یافته ایم. تنها چند آیه هستند که احتمالاً متعلق به قرن یکم هستند. اگر این خبر تایید شود (و باید منتظر انتشارش باشیم)، برای اولین بار خواهد بود که قطعه ای از عهد جدید یافته ایم که به قرن یکم برمی گردد و قدیمی ترین قطعه خواهد بود.

پس تمام این اتفاقات هیجان انگیز هستند. چه فایده ای دارد؟

اگر حتی فقط شش آیه پیدا کنیم (مانند نمونه)، مانند رای گیری که در سیاست صورت می گیرد. نمی توان از همه رای گیری کرد، بنابراین از ۱٪ رای گیری می کنیم و دیدگاه کل جامعه را می فهمیم.

دستنوشته ها هم همینطور هستند. اگر شش یا هفت آیه از انجیل مرقس یا اثر دیگری را پیدا کنید و آنها مطابق با متنی باشند که داریم، این نشان می دهد که احتمالاً کل کتاب نیز مطابق با متنی است که داریم. بنابراین نمونه معناداری می شود.

منتظر انتشار این قطعه مرقس در سالهای آینده هستند. [البته این سخن که اگر کمی پیدا شود می توان به سایر بخش های غیر مکشوفه نیز مهر تایید نهیم سخن درستی به نظر نمی رسد چراکه در بسیاری از موارد مشاهده می شود بسیاری از موضوعات تاریخی در بیش از ۹۰ درصد مباحث نیز با یکدیگر

مشابه می باشند اما درست در آنجایی که نباید با یکدیگر تفاوت داشته باشند و نقطه ی عطف ماجرا شمرده می شوند با یکدیگر متفاوت شده که کاملاً به ضد و نقیض شدن آنها منجر خواهد شد همانند آنچه که در داستان های عهد قدیم و تورات مشاهده می شود که با قرآن مسلمانان در بسیاری از موارد مشابهت های فراوانی دارند اما درست در نقطه ای که می تواند دیدگاه خواننده نسبت به فلان پیامبر را اثبات یا رد کند جمله ای می آید که تمامی نقاط مشترک داستان را زیر سوال می برد^۱ این می تواند در حالی باشد که در نسخه های پیشین از این کتب، موضوع به نحو دیگری وارد شده باشد. کما اینکه در دوران خود نیز چه بسیار مشاهده می کنیم که برخی از جریانات فکری در صدد حذف عباراتی از کتب پیشینیان خود می باشند که حقیقتاً اگر منابع اولیه آنها در اختیارمان نباشد هیچگاه نمی توان به حقیقت امر آگاه شد].

مجری: خیلی عالی است، زیرا یکی از موضوعات مهم همین مرقس است. تا جایی که می دانم (من ناقد ادبی نیستم) اینها را در کتابهای مختلف و دستنوشته ها جدا می کنید.

^۱ ن.ک: داستان های مشترک پیامبران در قرآن و عهد قدیم

یکی از نکاتی که افرادی مانند بارت ارمن می گویند این است که وقتی فاصله بزرگی بین زمان نگارش اصل کتاب و این دستنوشته ها وجود دارد، معلوم نیست چه اتفاقی افتاده است. او نمی داند، زیرا چیزی نداریم، ولی می تواند منجر به شاعبه های بی پایانی شود. بنابراین وقتی به عقب بر می گردیم و این اکتشافات صورت می گیرند و بیشتر به اصل متن نزدیکتر می شویم، امیدواریم که چیزهای بیشتری کشف کنیم و اطمینان بیشتری به سنت دستنوشته هایمان پیدا کنیم.^۱

^۱ انتشار یافته توسط: ACE Interview Craig 2015/10/14 Liberty University. "Evans "Recent Discoveries of New Testament Manuscripts".



در پایان این بخش به ایمیلی که در پاسخ به پرسش من از دکتر «اوانز» مبنی بر شناخت قدیمی ترین نسخه ی موجود از انجیل به دستم رسیده اشاره خواهم کرد تا نظر نهایی ایشان بر طبق تحقیقاتی که تا کنون به انجام رسانده را مطلع شویم:

27September 2018

Dear S. Saberi:

Thank you for your email and for your request for information.

The oldest documents (manuscripts) or copies of the New Testament Gospels date to the second century, about 100 years after the Gospels were originally written. These manuscripts are only small fragments. The oldest, largest manuscripts of the Gospels date to about 250 years after the Gospels were written. The two great books (or codices) are Sinaiticus and Vaticanus, both of which date to around 340 AD .

I attach a chapter for a book that I am writing on this subject. It is technical and scholarly, so it might difficult for you to read. But it is the only thing that I have that I can send you. I hope it helps .



I should also tell you, because you live in Iran, which is a Muslim country, that the Christian Gospels were written about 40 to 50 years after the time of Jesus, that is, they were written 77 – 90 AD. The Quran, which also talks about Jesus, was written 600 years after the time of Jesus. Besides the four Christian Gospels (Matthew, Mark, Luke, and John), Jesus is described in the book of Acts and in several New Testament letters, all dating from the first century AD, only a few years after the time of Jesus .

I hope this helps you .

Sincerely yours ,

Craig Evans, Ph.D., D.Habil .

Houston Baptist University

ترجمه ی متن:

قدیمی ترین اسناد (دست نوشته ها) یا رونوشت های انجیل های عهد جدید مربوط به قرن دوم، چیزی در حدود ۱۰۰ سال بعد از نگارش اولیه انجیل ها، هستند و تنها بخش های کوچکی را شامل می شوند.

قدمت قدیمی‌ترین و بزرگترین نسخه‌های خطی انجیل‌ها تقریباً به ۲۵۰ سال بعد از نگارش انجیل‌ها برمی‌گردد. دو کتاب اصلی (یا نُسخه^۱) عبارت از نسخهٔ سینایی^۲ و نسخهٔ واتیکان^۳ کتاب مقدس هستند و قدمت هر دوی آن‌ها به حدود سال ۳۴۰ میلادی برمی‌گردد.

یک فصل از کتابی را که هم‌اکنون دربارهٔ این موضوع در دست نگارش دارم ضمیمه کرده‌ام. این کتاب تخصصی و علمی است و بنابراین ممکن است خواندش برای شما دشوار باشد، اما تنها چیزی است که در دست دارم و می‌توانم برایتان ارسال کنم. امیدوارم مفید واقع شود.

همچنین، با توجه به اینکه شما در ایران (که کشوری مسلمان است) زندگی می‌کنید، باید بگویم که انجیل‌های مسیحی حدوداً ۴۰ تا ۵۰ سال بعد از زمان مسیح، یعنی بین سالهای ۷۷ تا ۹۰ میلادی، نوشته شده‌اند. و کتاب قرآن، که آن هم دربارهٔ مسیح صحبت می‌کند، ۶۰۰ سال بعد از زمان مسیح نوشته شده است. علاوه بر چهار انجیل مسیحی (متی، مرقس، لوقا، و یوحنا)، حضرت مسیح در کتاب اعمال رسولان و همچنین در تعدادی از رسائل عهد جدید نیز توصیف شده است که همهٔ آنها به قرن اول میلادی، تنها چند سال بعد از زمان مسیح، برمی‌گردند.

^۱codices

^۲Sinaiticus

^۳Vaticanus

سال دقیق ولادت پیامبر اسلام مشخص نمی باشد و تنها برخی همچون ابن هشام، ولادت او را در عام الفیل نوشته‌اند که آن نیز دقیقاً مشخص نگردیده در چه سالی بوده است اما به جهت اینکه تاریخ‌نویسان، وفات پیامبر اسلام (ص) را در سال ۶۳۲ میلادی (۱۱ هجری) نگاشته‌اند و طول عمر ایشان ۶۳ سال بوده می‌توان تولد پیامبر را حدود ۵۶۹ میلادی بیان نمود و زمان بعثت نیز چنانکه مشهور است در سن چهل سالگی بوده که حدود سال ۵۰۹ میلادی به دست خواهد آمد^۱.

بنابراین آغاز پیدایش قرآن را می‌بایست از حدود سال‌های ۵۰۹ میلادی به بعد دانست.

نکته دیگری که در مباحث آینده به آن نیاز می‌باشد تاریخ هجرت پیامبر از مکه به مدینه است که مبدأ تاریخ مسلمانان شمرده می‌شود و این تاریخ با اندک اختلافی در ضبط روز حرکت از مکه و رسیدن پیامبر به مدینه در تاریخ ربیع الاول سال ۱۴ بعثت برابر با سپتامبر ۶۲۲ میلادی می‌باشد.

^۱ تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۳۷ و ۴۱

تواریخ دیگری که اطلاع از آنها می تواند به مشخص شدن برخی مباحث آتی کمک نماید عبارتند از :

نام	دوره ی حکومت
ابوبکر بن ابی قُحافه	۱۱-۱۳ هجری قمری
عُمَر بن خَطَّاب	۱۳-۲۳ ه.ق
عثمان بن عفان	۲۳-۳۵ ه.ق
علی بن ابی طالب	۳۵-۴۰ ه.ق

از آنچه که ذکر شد دانسته می شود که می بایست از زمانی که پیامبر فوت نمود به طوری که دیگر در میان مسلمانان حضور نداشته و نمی توانست که اضافات و نقصانی که در اندیشه ی آیندگان به وجود می آمد را هدایت کند اسناد و مدارکی موجود باشد که ثابت کند تغییر و تحولی یا حاصل نشده و یا به مقداری اندک باشد که خدشه ای در کلام وحیانی ایجاد نشده باشد و الا در صورت فقدان این امر نمی توان به قطع و یقین بر اصالت منبع اصلی دین اسلام اقرار نمود.

هر چند در این میان تا سال های گذشته که متون پیش روی کشف شود تصور عمومی بر آن بود که یادداشت های موجود (روایات) تاریخی دال بر عدم

نگارش مصاحف در زمان پیغمبر اسلام داشته اما با پیدا شدن این مصاحف، جنبه‌ی دیگری از روایات و نظرات، تقویت شد که دلالت بر امکان وقوع نگارش قرآن در زمان حضور پیامبر اسلام دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

نسخه ی صنعاء

این نسخه که در سقف مسجد جامع صنعاء کشف شده در مجموع شامل هشتاد برگه می شود که حجمی نزدیک به مصحف پاریس - پترزبورگ را به خود اختصاص داده و این نسخه دارای دو تاریخ می باشد.

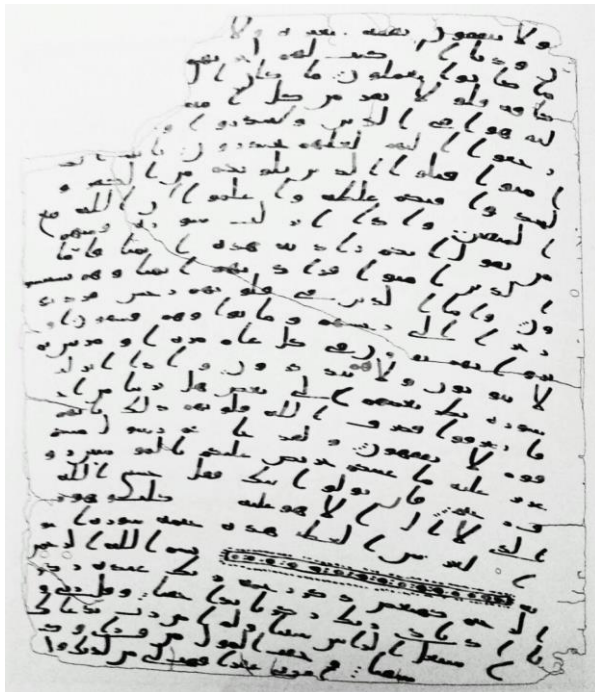
تاریخ اول مربوط است به قرآنی که بار اول بر روی پوست برگه نوشته شده و تاریخ دوم شامل قرآنی است که بر روی همان پوست برگه پس از پاک کردن نسبی قرآن اول به نگارش درآمده.

" بر روی نمونه ای از پوست برگه ی گرفته شده از برگه ای که اکنون در یکی از مجموعه های شخصی در ایالات متحده قرار دارد، آزمایش تعیین قدمت به وسیله کربن ۱۴ انجام گرفته است:

نتیجه ی آزمایش چنین شد که با احتمال ۹۵ درصد، پوست برگه بین سال های ۴۵ پیش از هجرت تا ۴۹ هجری تولید شده و با احتمال ۶۸ درصد متعلق به زمانی بین سالهای ۸ پیش از هجرت تا ۳۶ هجری است...

اما کتابت متن رویی و یا دوم را می توان در قرن دوم هجری دانست.

... آزمایش های دیگری از پوست برگه ها که بر روی دو نمونه ی گرفته شده از دو برگه (۲ و ۸) از 1. 27. 01 Inv انجام گرفت، به ترتیب تاریخ هایی بین سالهای ۸۱ پیش از هجرت تا ۲۲ هجری و ۱۹۸ پیش از هجرت تا ۲۳ پیش از هجرت را با احتمال ۹۵ درصد نشان داد.^۱



تصویری از نسخه صناعاء، نسخه ی 1. 27. 01 Inv.
(برگرفته از کتاب قرآن های عصر اموی، ص ۲۹۹)

^۱ قرآن های عصر اموی، ص ۹۵-۱۰۴



تصویری از نسخه صنعاء، نسخه ی 27. 01 - Inv.

(برگرفته از کتاب قرآن های عصر اموی، ص ۳۱۹)



تصویری از قرآن نسخه‌ی دانشگاه بیرمنگام



آنچه که در پیش روی خواهد آمد در سایت دانشگاه بیرمنگام در ارتباط با این
نسخه ارائه شده است:

Birmingham Qur'an manuscript dated among the oldest in the
world

A Qur'an manuscript held by the University of Birmingham has been placed among the oldest in the world thanks to modern scientific methods.

Radiocarbon analysis has dated the parchment on which the text is written to the period between AD 568 and 645 with 95.4% accuracy. The test was carried out in a laboratory at the University of Oxford. The result places the leaves close to the time of the Prophet Muhammad, who is generally thought to have lived between AD 570 and 632.

Researchers conclude that the Qur'an manuscript is among the earliest written textual evidence of the Islamic holy book known to survive. This gives the Qur'an manuscript in Birmingham global significance to Muslim heritage and the study of Islam. Susan Worrall, Director of Special Collections



(Cadbury Research Library), at the University of Birmingham, said: ‘The radiocarbon dating has delivered an exciting result, which contributes significantly to our understanding of the earliest written copies of the Qur’an. We are thrilled that such an important historical document is here in Birmingham, the most culturally diverse city in the UK.’

The Qur’an manuscript is part of the University’s Mingana Collection of Middle Eastern manuscripts, held in the Cadbury Research Library. Funded by Quaker philanthropist Edward Cadbury, the collection was acquired to raise the status of Birmingham as an intellectual centre for religious studies and attract prominent theological scholars.

Consisting of two parchment leaves, the Qur’an manuscript contains parts of Suras (chapters) 18 to 20, written with ink in an early form of Arabic script known as Hijazi. For many years, the manuscript had been misbound with leaves of a similar Qur’an manuscript, which is datable to the late seventh century.



Susan Worrall said: ‘By separating the two leaves and analysing the parchment, we have brought to light an amazing find within the Mingana Collection.’

Explaining the context and significance of the discovery, Professor David Thomas, Professor of Christianity and Islam and Nadir Dinshaw Professor of Interreligious Relations at the University of Birmingham, said: ‘The radiocarbon dating of the Birmingham Qur’an folios has yielded a startling result and reveals one of the most surprising secrets of the University’s collections. They could well take us back to within a few years of the actual founding of Islam.

‘According to Muslim tradition, the Prophet Muhammad received the revelations that form the Qur’an, the scripture of Islam, between the years AD 610 and 632, the year of his death. At this time, the divine message was not compiled into the book form in which it appears today. Instead, the revelations were preserved in “the memories of men”. Parts of it had also been written down on parchment, stone, palm leaves and the shoulder blades of camels. Caliph Abu Bakr, the first leader of the Muslim community after Muhammad,



ordered the collection of all Qur'anic material in the form of a book. The final, authoritative written form was completed and fixed under the direction of the third leader, Caliph Uthman, in about AD 650.

‘Muslims believe that the Qur'an they read today is the same text that was standardised under Uthman and regard it as the exact record of the revelations that were delivered to Muhammad.

‘The tests carried out on the parchment of the Birmingham folios yield the strong probability that the animal from which it was taken was alive during the lifetime of the Prophet Muhammad or shortly afterwards. This means that the parts of the Qur'an that are written on this parchment can, with a degree of confidence, be dated to less than two decades after Muhammad's death. These portions must have been in a form that is very close to the form of the Qur'an read today, supporting the view that the text has undergone little or no

alteration and that it can be dated to a point very close to the time it was believed to be revealed.^۱

ترجمه ی عبارت:

قرآن خطی بیرمنگام یکی از قدیمی ترین نسخه های قرآن در جهان است

به لطف روش های علمی مدرن، قرآن خطی ای که دانشگاه بیرمنگام از آن نگهداری می کند به عنوان یکی از قدیمی ترین نسخه های قرآن معرفی شده است.

بر اساس نتایج تحلیل رادیوکربن، با ۹۵/۴٪ دقت، قدمت کاغذ پوستی ای که متن بر آن نگاشته شده است به دوره ی بین سال های ۵۶۸ و ۶۴۵ پس از میلاد باز می گردد.

این آزمون در آزمایشگاهی در دانشگاه آکسفورد انجام شد. بر اساس نتایج به دست آمده، برگه های کتاب به زمانی نزدیک به زمان حضرت محمد، که عموماً تصور می شود بین سال های ۵۷۰ و ۶۳۲ پس از میلاد می زیسته است، تعلق دارند.

به عقیده‌ی پژوهشگران این قرآن خطی یکی از اولین شواهد نوشتاری کتاب مقدس اسلام است که تا امروز به جا مانده است. به همین دلیل قرآن خطی بیرمنگام از نظر میراث مسلمین و مطالعه‌ی اسلام اهمیتی جهانی یافته است.

سوزان وورال، مدیر مجموعه‌های ویژه‌ی (کتابخانه‌ی پژوهشی کدبری) دانشگاه بیرمنگام گفت: «آزمایش قدمتیابی رادیوکربن نتیجه‌ی هیجان‌انگیزی داشته است، که بر درک ما از نخستین نسخه‌های نوشتاری قرآن تأثیر بسیار مهمی می‌گذارد. بسیار خوشحالیم که چنین سند تاریخی مهمی، این جا، در بیرمنگام است که در میان شهرهای بریتانیا از بیشترین تنوع فرهنگی برخوردار است»...

این قرآن خطی که از دو ورقه‌ی پوستی ساخته شده، حاوی بخش‌هایی از سوره‌های (فصل‌های) ۱۸ تا ۲۰ است که با جوهر و به یکی از شکل‌های اولیه‌ی خط عربی به نام حجازی، نوشته شده‌اند. این نسخه سال‌ها به طور نامناسبی با ورقه‌هایی از قرآن خطی مشابهی که قدمت آن به اواخر قرن هفتم می‌رسد، بسته شده بود است.

سوزان وورال گفت: «با جدا کردن این دو ورقه و تحلیل پوست به یافته‌ی شگفت‌انگیزی در مجموعه‌ی مینگانا دست یافتیم».

پروفسور دیوید توماس، استاد مسیحیت و اسلام، و ندیر دینشواو، استاد روابط میان‌مذهبی دانشگاه بیرمنگام، در توضیح متن و اهمیت این اکتشاف گفته‌اند: «آزمایش قدمت‌یابی رادیوکربن برگ‌های قرآن بیرمنگام نتیجه‌ی قابل‌توجهی در بر داشته است و یکی از شگفت‌انگیزترین اسرار مجموعه‌های دانشگاه را برملا می‌کند. آن‌ها به خوبی توانستند ما را [با خود] به سال‌های نزدیک به تأسیس حقیقی اسلام ببرند...

«آزمون‌هایی که بر پوست برگه‌های قرآن بیرمنگام انجام شده‌اند نشان می‌دهند که به احتمال قوی حیوانی که پوست متعلق به آن است در طول حیات حضرت محمد و یا کمی پس از مرگ او زندگی می‌کرده است. این امر به آن معناست که قدمت بخش‌هایی از قرآنی که بر روی این پوست نوشته شده است، با درجه‌ای از اطمینان، به کمتر از دو دهه پس از مرگ محمد بازمی‌گردد. این قطعات به شکل قرآنی که امروز خوانده می‌شود شباهت زیادی داشته‌اند و در نتیجه از این عقیده حمایت می‌شود که متن قرآن تغییر بسیار اندکی کرده یا اصلاً تغییر نکرده است و قدمت آن به زمانی بسیار نزدیک به زمانی که معتقد بوده‌اند که زمان وحی بوده است بازمی‌گردد».

نسخه ی قیروان، موزه ی هنرهای اسلامی



تصویری از نسخه ی R38 قیروان

(برگرفته از کتاب قرآن های عصر اموی، ص ۳۲۱)

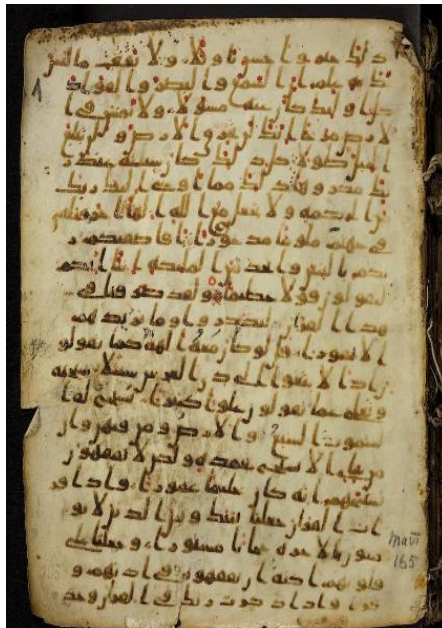
این نسخه که در قیروان و موزه ی هنرهای اسلامی آن نگهداری می شود با شماره ی (R38) مشخص گردیده و دارای ۲۱۰ برگه می باشد.

آزمایش کربن ۱۴ که بر روی این قطعات صورت گرفته با احتمال (۶/۹۵٪) به تاریخی ما بین سال های ۶۴۸ - ۶۹۱ میلادی می دهد. با این حال نظر نویسندۀ ی کتاب قرآن های عصر اموی بر متأخرتر بودن این تاریخ می باشد.^۱

^۱ قرآن های عصر اموی، ص ۲۲۰

نسخه دانشگاه توبینگن

کارشناسان با استفاده از تکنیک‌های علمی دریافته‌اند که این نسخه به احتمال بالای ۹۵ درصد، در سال‌های ۶۴۹ تا ۶۷۵ میلادی تحریر شده است و شامل آیاتی از آیه ۳۷ سوره هفدهم تا آیه ۵۷ سوره سی و ششم می‌باشد. اوراق این قرآن به خط کوفی حجازی، نگاشته شده است.

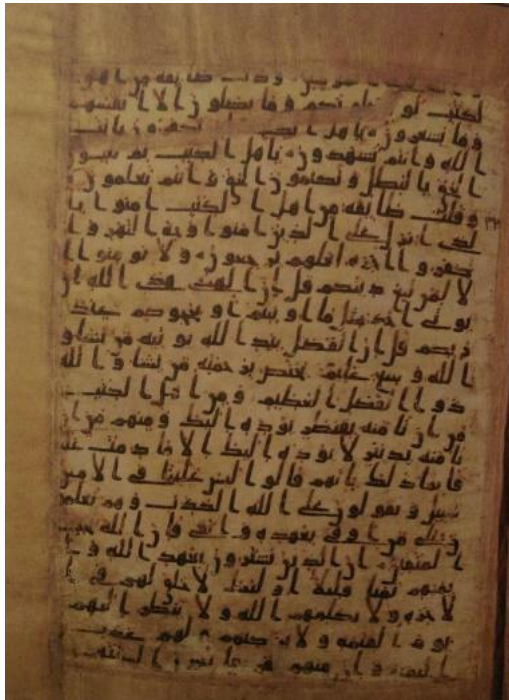


تصویر برگرفته از www.idb.uni-tuebingen.de^۱

^۱ نسخه مشاهده‌ی آنلاین این قرآن نیز در سایت دانشگاه توبینگن موجود می‌باشد.

در پایان این بخش می بایست به دو نسخه کهن که شواهد خطی و هنری نشان از تاریخ مرتبط با نیمه نخست قرن اول هجری داشته اشاره نمود که البته تنها ایراد این نسخ را می توان عدم ارزشیابی با آزمایشات رادیو کربن دانست.

الف. نسخه منتسب به علی بن ابی طالب که در مجموعه ی آستان قدس رضوی نگهداری می شود.



تصویری از نسخه ی ش ۱۸، مشهد، آستان قدس رضوی
(برگرفته از کتاب قرآن های عصر اموی، ص ۳۲۵)

ب. نسخه منتسب به علی بن ابی طالب که از مجموعه آثار خطی کاخ گلستان می باشد.

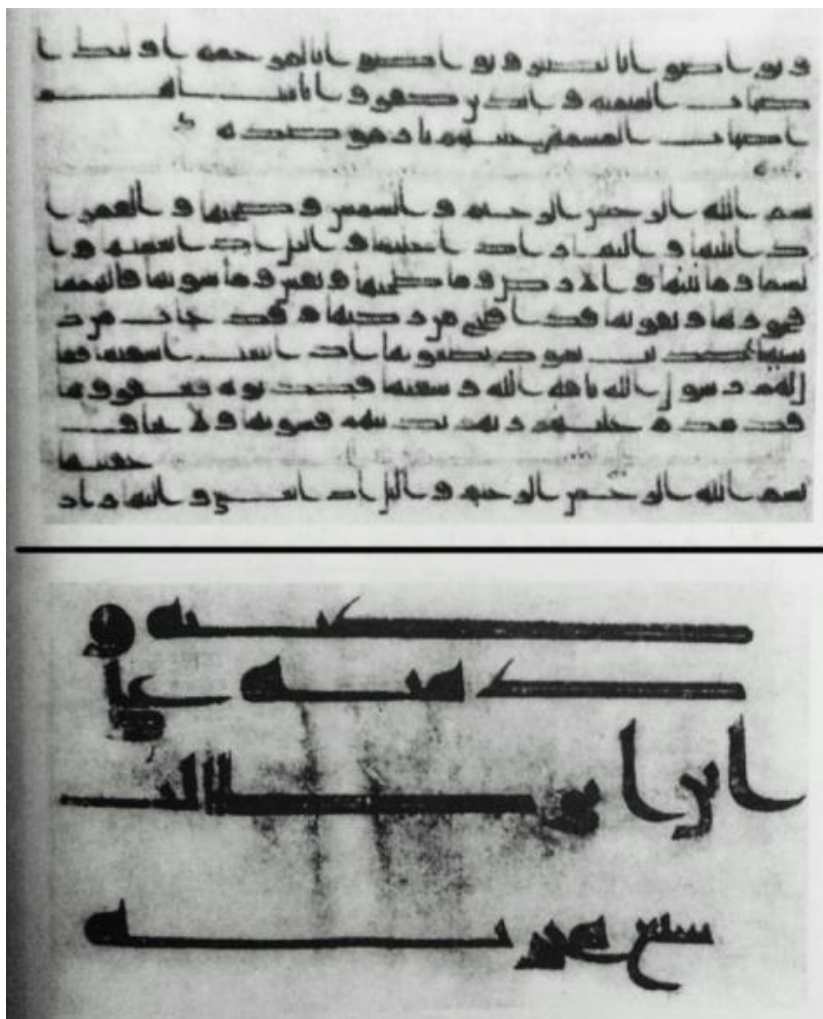
در باره این نسخه در کتاب اسناد و دست نوشته های قرآنی آمده:

" به خط کوفی و بر روی پوست آهو و بدون اعراب و اعجام می باشد و فقط آیات پایانی سوره مبارکه «بلد» به همراه سوره «شمس» و آغاز سوره «لیل» در یک صفحه دارای اعراب و انجام می باشد.

شروع قرآن با سوره تبارک و پایان آن با سوره «مرسلات» است. در صفحه ای دیگر مضمون «کتابه و ذهبه علی بن ابی طالب سبع هجریه» آمده که خبر از کتابت قرآن در سال هفتم هجری می دهد.

اگر صحت این سند مهم به اثبات برسد، می تواند مدرک مهمی برای مورخین اسلامی در موضوع تاریخ گذاری در صدر اسلام نیز باشد.^۱

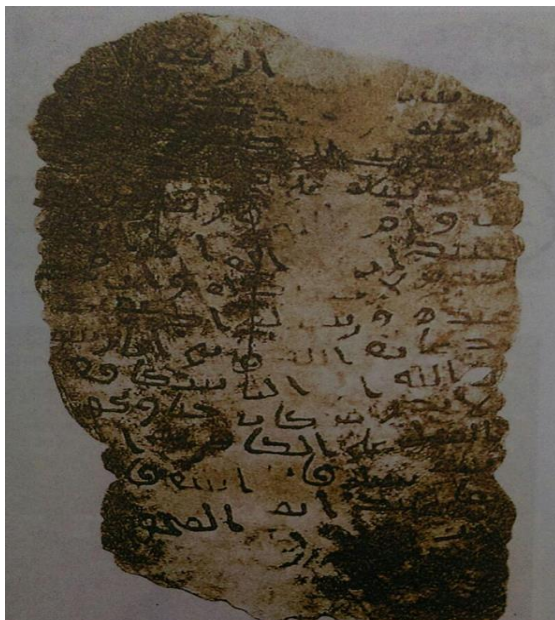
^۱ اسناد و دست نوشته های قرآنی منسوب به معصومین، ص ۱۳۷



تصویری از قرآن منسوب به علی بن ابی طالب
(برگرفته از کتاب اسناد و دست نوشته های قرآنی، ص ۱۳۸)

علاوه بر آنچه که از نسخ قرآنی مطرح شد شواهد دیگری نظیر نامه های منسوب به پیامبر اسلام که در آنها خطاب به پادشاهان مناطق گوناگون، مطالبی عنوان شده وجود دارد که با توجه به اینکه اصالت برخی آنها از سوی چندی کارشناسان تایید گردیده اما به سبب اشکالاتی که در آنها ممکن است وجود داشته باشد به نقل جزئی بسنده می شود اما لازم به تذکر است که برخی از همین نامه ها در مقایسه با بیشتر منابع ادیان و مکاتب مذکور، شواهد بهتر و دارای قوت بیشتری محسوب گردیده اند.

نامه پیامبر اسلام به خسرو پرویز



تصویری از نامه پیامبر به خسرو پرویز که به سازمان میراث فرهنگی ارسال گردیده است.

(مأخوذ از کتاب اسناد و دست نوشته های قرآنی. ص ۲۱۰)

محسن جعفری مذهب در نوشتار «تحقیقی پیرامون نامه پیامبر به خسرو پرویز» در ارتباط با تحقیق صورت گرفته بر روی این نامه چنین می نویسد:

"در سال ۱۹۶۳ میلادی، دکتر صلاح الدین المنجد، دانشمند و کارشناس آثار مخطوط باستانی، در روزنامه بیروتی الحياة

(می ۱۹۶۳) مقاله ای نوشت و در آن مقاله خبر از کشف اصل نامه پیامبر به خسرو پرویز داد. نامه بر روی چرمی به اندازه ۳۱×۲۱ سانتیمتر نوشته شده و ۱۵ سطر مکتوب دارد و در پایان آن، مُهر «محمد رسول الله» دیده می شود. این نامه، جزو کلکسیون هانری فرعون وزیر خارجه اسبق لبنان و یکی از توانگران لبنان بود که در خلال جنگ اوّل جهانی، آن را به مبلغ ۱۵۰ سکه طلا خریده بود. دکتر صلاح الدین المُنَجّد که خود از کتاب شناسان و نسخه شناسان بنام در عالم اسلام است، آن نامه را دیده و با آزمایش کربن ۱۴ به کهنگی و تعلّق آن برگ به روزگار پیامبر ابراز یقین کرده بود و از نظر خط شناسی و مقایسه سبک عبارات با دعوت نامه های مشابه پیامبر، در صحت آن تردید نداشت.^۱

پس از این اظهار نظر ایراداتی به آن گرفته شد که دکتر صلاح الدین المُنَجّد نیز پاسخ آنها را ارائه نمود اما به هر ترتیب نباید فراموش نمود هنگامی که امری به صورت تجربی و نسبتاً قطعی ثابت می شود در مقابل آنچه که در تاریخ به شکل و صورت ظنّی و گمانی وارد و بیان گردیده از قوتی بخوردار است که می بایست آنچه تا کنون در تواریخ و کتب و اظهار نظر ها بیان شده را تغییر داد.

^۱ «تحقیقی پیرامون نامه پیامبر به خسرو پرویز»، محسن جعفری مذهب، وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره ۴۰

نامه پیامبر اسلام به مقوقس مصر



نسخه شبیه سازی شده از اصل نسخه نامه پیامبر اسلام به مقوقس مصر

چاپ شده در مجله الهلال مصر در سال ۱۹۰۴ میلادی

محل نگهداری اصل سند: موزه توپ قاپو سرای - استانبول، ترکیه

(مأخوذ از سایت تخصصی تاریخ اسلام و کتاب اسناد و دست نوشته های قرآنی، ص ۲۱۴)

نامه پیامبر اسلام به هرقل (هراکلیوس) بزرگ رومیان



تصویر نامه پیامبر اسلام به هرقل (هراکلیوس) بزرگ رومیان
 محل نگهداری اصل سند: موزه سلطنتی - عمان، اردن هاشمی.
 (مأخوذ از سایت تخصصی تاریخ اسلام)

نامه پیامبر اسلام به منذر بن ساوی پادشاه بحرین

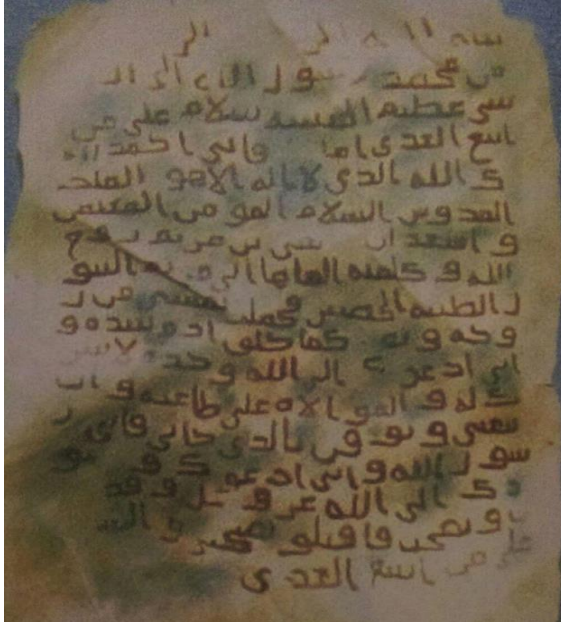


تصویر نامه پیامبر به منذر بن ساوی پادشاه بحرین

محل نگهداری: کتابخانه ی وین، اتریش

(مأخوذ از سایت تخصصی تاریخ اسلام)

نامه پیامبر اسلام به نجاشی پادشاه حبشه



نامه پیامبر اسلام به نجاشی پادشاه حبشه

(مأخوذ از کتاب اسناد و دست نوشته های قرآنی، ص ۲۱۳)

نکته نهائی:

در اینکه آیا تاریخ گذاری به وسیله آزمایش کربن ۱۴ و یا ارزشیابی هنری و گونه های کتابتی کدامیک می تواند به حصول نتیجه ی بهتر کمک نماید باید اشاره نمود که با توجه به آنچه که تا کنون مشاهده شده است استفاده از هریک از این روش ها دارای یک مزیت و یک ایراد مختص به خود می باشد چه آنکه آزمایشات کربن ۱۴ از به دست آوردن تاریخ بسیار دقیق تا به امروز ناموفق بوده اما به سبب اینکه حدود تاریخی را در بسیاری از موارد می تواند بیان کند و از سوگیریهای مراکز علمی، اشخاص، ادیان و دولت ها (که این سوگیرها تا کنون به دفعات مشاهده شده است) بکاهد دارای مزیت شمرده خواهد شد اما از طرفی دیگر هنر و شیوه ی کتابت و تمامی زیر مجموعه های تحت آن که توسط متخصصین و بدون آزمایش کربن ۱۴ صورت می گیرد این روش نیز دارای کاستی هایی از قبیل حدس و گمان در بیان تاریخ موضوعات مورد بررسی می باشد اما از طرفی با توجه به سیر تاریخی که از مشاهده تطبیقی منابع و اسناد حاصل شده می تواند ضعف های آزمایش کربن ۱۴ را تا حدودی پوشش داده و بنابراین از جمع این دو شیوه می توان به حدود و احتمالات بهتری دست یافت.

سخن آخر

موضوع این نوشتار همان چیزی بود که امروزه بسیاری از افراد بدون توجه به چگونگی آن و اثبات این امر به دعوای بی حد و حصر روی می آورند و بر طبل صحت تفکرات خویش می نوازند و فرقه ها و مذاهب و مکاتب بی شمار با مجامع آکادمیک و یا سنتی بسیار فراوانی را به وجود آورده اند بدون اینکه اصل و اساس تفکرات خود یعنی همین حلقه ی نخست را بتوانند ثابت نمایند. البته این مرحله تازه شروع کار می باشد و پس از آن حلقه های بعدی به وجود می آید که می بایست تا انتها به درستی در کنار هم چیده شوند و این نیاز به تخصص، مطالعه و تحقیق بدون وقفه دارد تا حلقه به حلقه مبدل نشود.

بنابراین اولین قدمی که می بایست در جهت تفکرات این چینی برداشته شود یافتن اولین حلقه از زنجیره است که در صورت فقدان آن دیگر جایی برای دفاع و پذیرش تصورات و داستان های خیالی برگرفته از اذهان افراد باقی نخواهد ماند؛ درست همانند انسانی که می خواهد از درخت تتومند و بلندقامتی بالا رود تا به شاخه نهایی آن دست یابد. حال اگر آن فرد بتواند بر روی شاخه های پایین و زیرین آن قرار بگیرد می تواند به مرحله بعد پیش رود تا به اواسط راه رسیده و پس از آن نیز کوشش نماید تا به آخرین شاخه راه یابد.



در اینجا اگر شاخه های زیرین را قطع شده بیاید راهی به صورت عادی
برای رسیدن به شاخه نهایی نخواهد بود.

منابع

- آئین و شریعت زرتشتی، آناهیتا حسن زاده، تهران، اردیبهشت، ۱۳۹۰.
- ادیان زنده جهان، رابرت هیوم، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، علم، ۱۳۸۶.
- ادیان و مکاتب فلسفی هند، داریوش شایگان، ج ۱، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۹.
- اسطوره زندگی زردشت، احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران، انتشارات بابل، ۱۳۷۰.
- اسناد و دست نوشته های قرآنی منسوب به معصومین، رامین رامین نژاد، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶.
- اوستا، ترجمه و تحقیق: هاشم رضی، انتشارات فروهر، ۱۳۶۲.
- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، احمد تفضلی، تهران، سخن، ۱۳۷۶.
- تاریخ تحلیلی اسلام، سید جعفر شهیدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۵.
- ترجمه تورات، ماشاء الله رحمان پور، حاخام مشه زرگری، ۱۳۶۴.

تفسیر کاربردی عهد جدید، توماس هیل، استیفان تورسون، ترجمه: آرمان رشدی و فریرز خندانی، ۲۰۰۱.

زرتشت و تعالیم او، هاشم رضی، تهران، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۵۰.

سیر تحول کتاب مقدس، محمد شمس، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹.

قرآن‌های عصر اموی، فرانسوا دروش، ترجمه: مرتضی کریمی نیا و آلاء وحیدنیا، تهران، هرمس، ۱۳۹۵.

گات‌ها، قدیمی‌ترین قسمتی از نامه مینوی اوستا، ابراهیم پورداوود، تهران، انتشارات اساطیر

گیتا (بهگود گیتا)، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۵

نقد کتاب مقدس، نقد تاریخی و ادبی و نقد

نسخ، هریسون، واتکی، گاتری، مترجم: آرمان رشدی، ایلام، انگلستان، ۱۹۹۵

تحقیقی پیرامون نامه پیامبر به خسرو پرویز، محسن جعفری مذهب، وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره ۴۰.

معرفی ادبیات ودایی-کهن‌ترین متون باقی مانده از قوم هند و ایرانی، محمد جواد شمس، نامه فرهنگستان، زمستان ۱۳۸۴.



نشریه شوفار، سال بیست و سوم، شماره ۲۶۸.

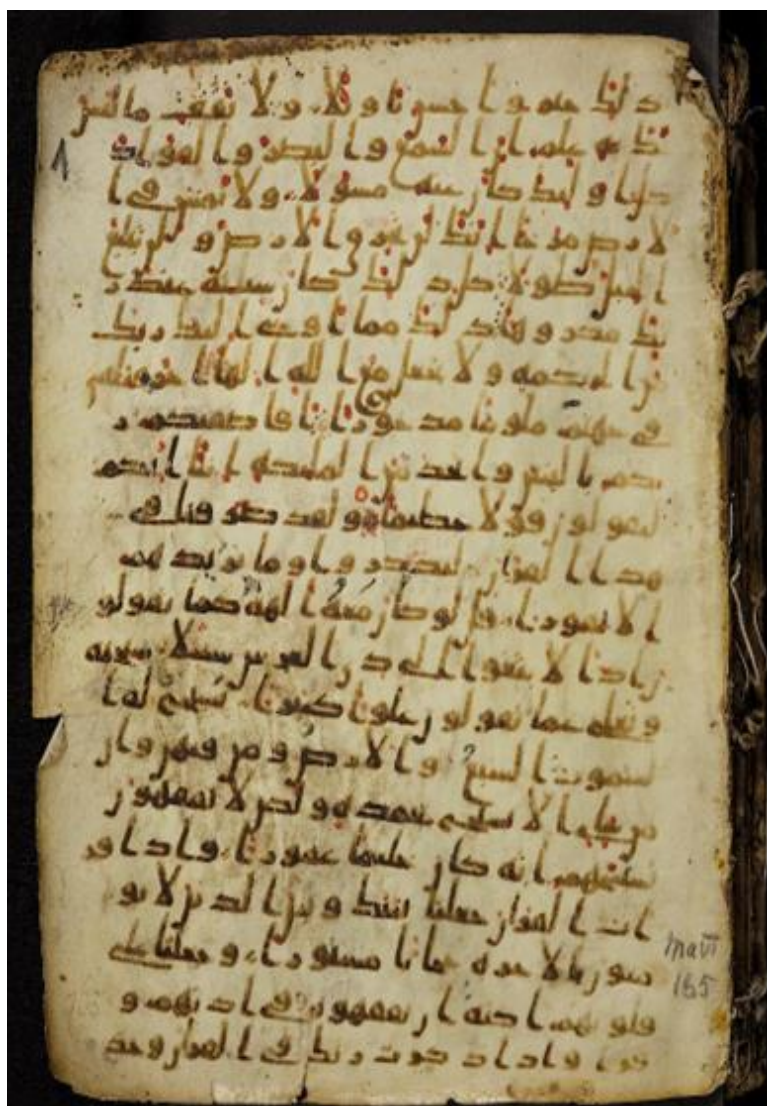
Boyce, Mary (1984), Textual Sources for the Study of Zoroastrianism, Manchester UP.

Liberty University. 2015/10/14. ACE Interview Craig Evans "Recent Discoveries of New Testament Manuscripts .

[illegible]

سنة ١٠٠٠

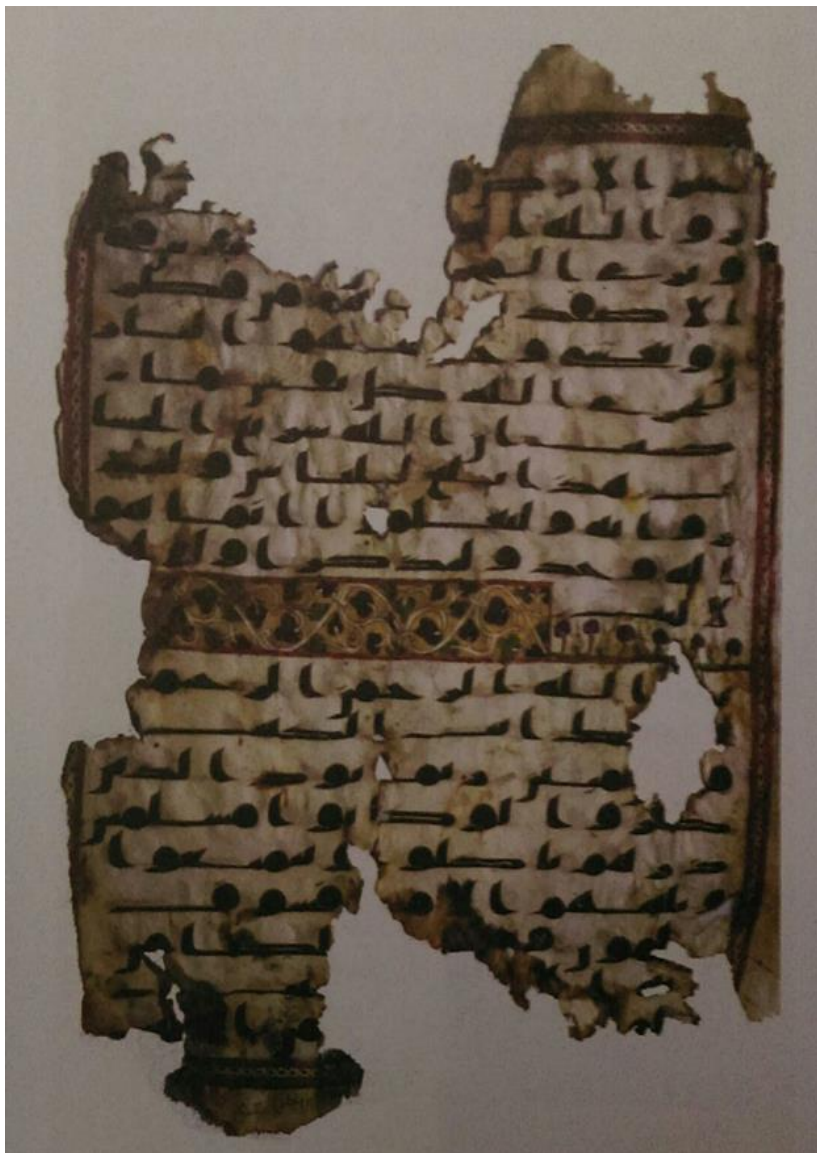
تصویری از قرآن منسوب به علی بن ابی طالب



تصویری از نسخه دانشگاه توپینگن



تصویری از قرآن نسخه‌ی دانشگاه بیرمنگام



تصویر برگی از نسخه صنعاء، نسخه ی 2 . 27 - 01 Inv.

[illegible]

[illegible]

برگی از نسخه خطی اوستا و زند (=یسنا ۵K) از قدیمی ترین نسخ به جای مانده که در کتابخانه کوپنهاگ موجود است.

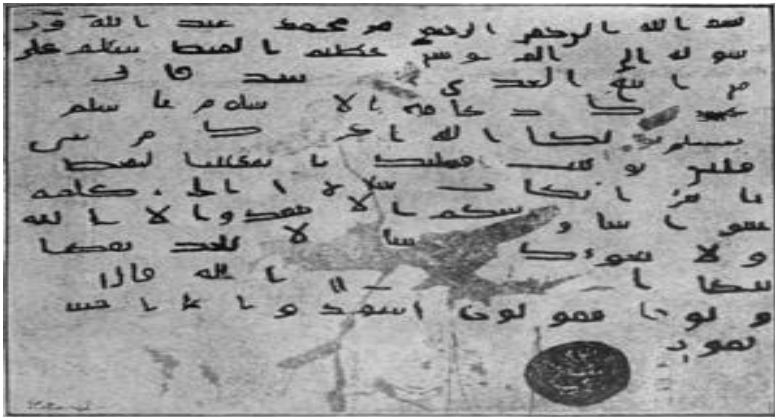


(برگرفته از کتاب قرآن‌های عصر اموی، ص ۳۲۱)



تصویری از نسخه ی ش ۱۸، مشهد، آستان قدس رضوی

(برگرفته از کتاب اسناد و دست نوشته های قرآنی، ص ۳۲۵)



نسخه شبیه سازی شده از اصل نسخه نامه پیامبر اسلام به مقوقس مصر، چاپ

شده در مجله الهلال مصر در سال ۱۹۰۴ میلادی

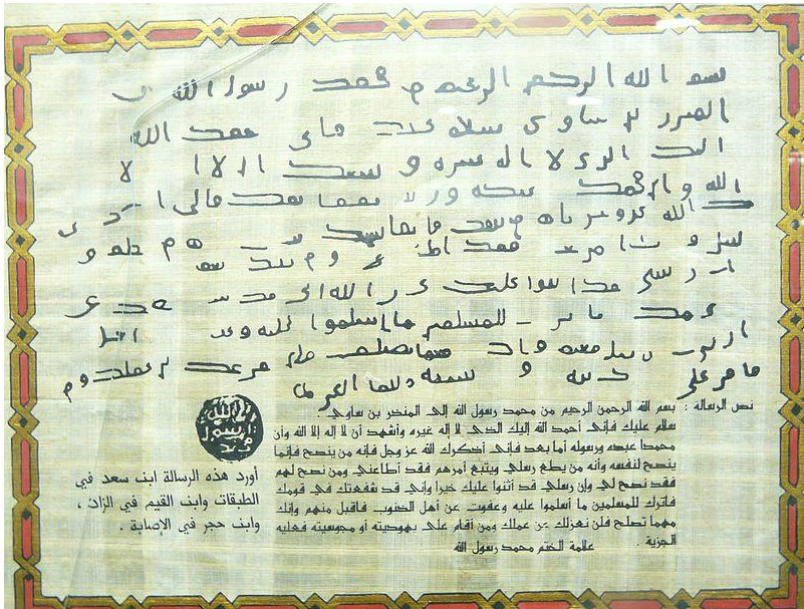
محل نگهداری اصل سند: موزه توپ قاپو سرای - استانبول، ترکیه

(مأخوذ از سایت تخصصی تاریخ اسلام و کتاب اسناد و دست نوشته های قرآنی، ص ۲۱۴)

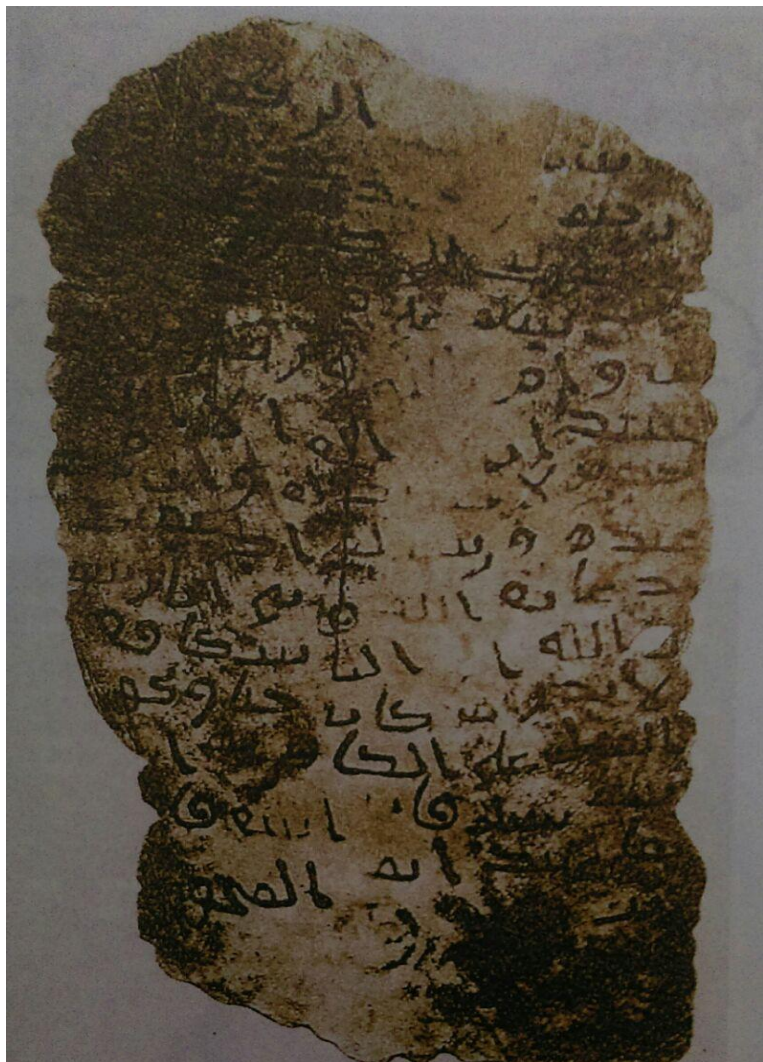




تصویر نامه پیامبر اسلام به هرقل (هراکلیوس) بزرگ رومیان
محل نگهداری اصل سند: موزه سلطنتی - عمان، اردن هاشمی.
(مأخوذ از سایت تخصصی تاریخ اسلام)

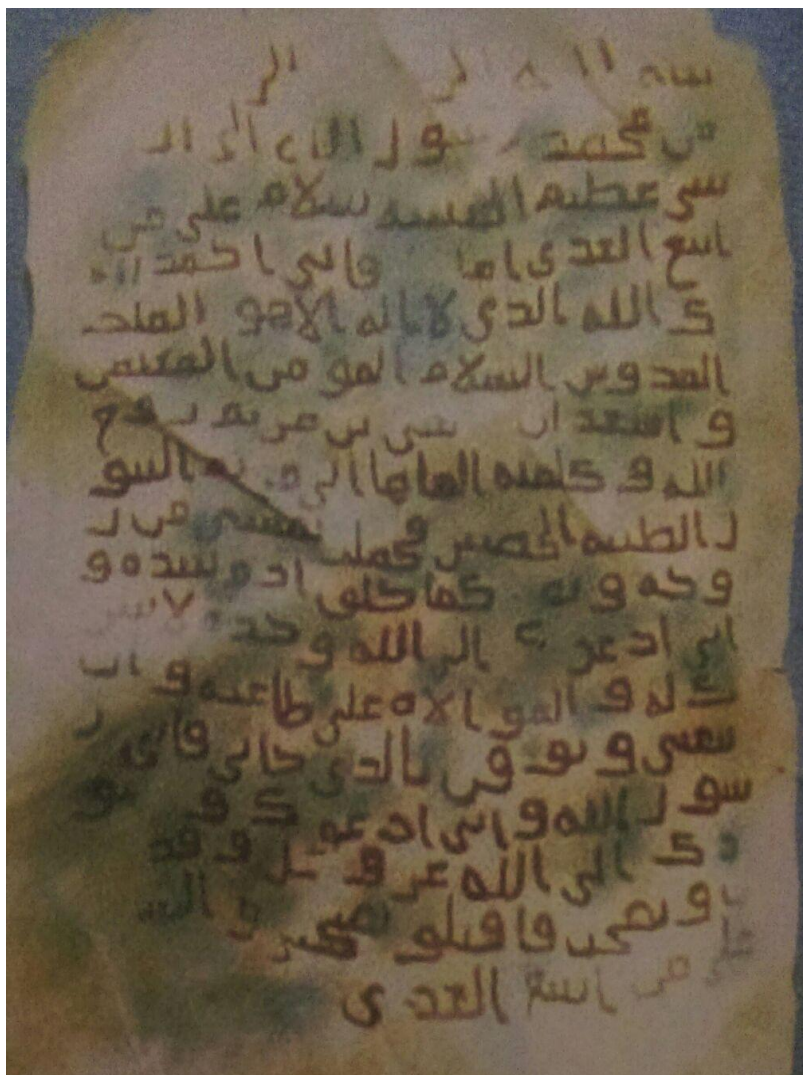


(مأخوذ از سایت تخصصی تاریخ اسلام)



تصویری از نامه پیامبر به خسرو پرویز که به سازمان میراث فرهنگی ارسال گردیده است.

(مأخوذ از کتاب اسناد و دست نوشته های قرآنی، ص ۲۱۰)



نامه پیامبر اسلام به نجاشی پادشاه حبشه
(مأخوذ از کتاب اسناد و دست نوشته های قرآنی، ص ۲۱۳)



یادداشت

.....

.....



یادداشت

.....

.....



یادداشت

.....

.....